

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)
فلسفه

۱۴۰۳-۱۴۰۴

گردآورندگان
حسین کفاشیان بیلندی

فهرست مطالب

جدول فراوانی

مقدمه تحلیلی

پیش گفتار ۷

آزمون دکترای فلسفه ۱۴۰۳

فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب).....	۹
پاسخ نامه فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب).....	۱۱
درسنامه مروری فلسفه عمومی.....	۳۵
فلسفه غرب.....	۳۸
پاسخ نامه فلسفه غرب.....	۴۰
درسنامه مروری فلسفه غرب.....	۶۶
فلسفه معاصر.....	۶۹
پاسخ نامه فلسفه معاصر.....	۷۰
درسنامه مروری فلسفه معاصر.....	۸۲
فلسفه تحلیلی.....	۸۴
پاسخ نامه فلسفه تحلیلی.....	۸۵
درسنامه مروری فلسفه تحلیلی.....	۱۰۴
فلسفه اسلامی.....	۱۰۶
پاسخ نامه فلسفه اسلامی.....	۱۰۷
درسنامه مروری فلسفه اسلامی.....	۱۲۴

آزمون دکترای فلسفه ۱۴۰۴

فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب).....	۱۲۶
پاسخ نامه فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب).....	۱۲۸
درسنامه مروری فلسفه عمومی.....	۱۵۴
فلسفه غرب و فلسفه تحلیلی و فلسفه معاصر.....	۱۵۶
پاسخ نامه فلسفه غرب و فلسفه تحلیلی و فلسفه معاصر.....	۱۵۹
درسنامه مروری فلسفه غرب و فلسفه تحلیلی و فلسفه معاصر.....	۲۱۴
فلسفه اسلامی.....	۲۱۸
پاسخ نامه فلسفه اسلامی.....	۲۱۹
درسنامه مروری فلسفه اسلامی.....	۲۳۶
نمایه موضوعی.....	۲۳۹
منابع.....	۲۴۷

۱. جدول تجمیعی فراوانی سوالات برحسب سرفصل‌های اصلی آزمون دکتری فلسفه

سرفصل امتحانی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	مجموع سوالات	میانگین سالانه	سهم تقریبی درصد
فلسفه اسلامی (عمومی و تخصصی)	۳۰	۳۰	۲۶	۳۰	۳۵	۱۵۱	۳۰.۲	۳۹.۵٪
فلسفه غرب (یونان باستان، قرون وسطی، مدرن و معاصر)	۲۵	۲۵	۲۴	۳۰	۲۵	۱۲۴	۲۴.۸	۳۲.۵٪
منطق عمومی (ارسطویی، محمولات و گزاره‌ها)	۱۵	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۵۵	۱۱.۰	۱۴.۴٪
فلسفه تحلیلی و فلسفه زبان	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۵۲	۱۰.۴	۱۳.۶٪
مجموع دروس مصوب	۸۰	۷۵	۷۰	۸۰	۸۰	۳۸۲	۷۶.۴	۱۰۰٪

۲. جدول ریزمباحث و موضوعات پرتکرار به تفکیک درس
الف) فلسفه اسلامی

عنوان مبحث / سرفصل پرتکرار	مفاهیم محوری و کلیدواژه‌ها	میانگین سوالات در هر سال	اولویت مطالعاتی
مباحث وجود و عوارض آن	اصالت، تشکیک، زیادت وجود بر ماهیت، وجود ذهنی و رابط	۵ الی ۶	اولویت الف
علت و معلول و مواد ثلاث	وجوب و امکان، قاعده الواحد، علیت و تلازم، بساطت و ترکیب	۴ الی ۵	اولویت الف
علم النفس و معرفت‌شناسی	تجرد نفس، مراتب عقل، علم حصولی و حضوری، علم باری تعالی	۴ الی ۵	اولویت الف
مقولات، حرکت و زمان	جوهر و عرض، حرکت جوهری، وجود رابطی، زمان، کون و فساد	۳ الی ۴	اولویت ب
مقایسه مکاتب و الهیات بالمعنی الاخص	مشاء، اشراق، حکمت متعالیه، اسماء و صفات، برهان صدیقین	۳ الی ۴	اولویت ب

(ب) فلسفه غرب (باستان تا قرن بیستم)

دوره / فیلسوفان شاخص	مفاهیم و محورهای پرتکرار	میانگین سؤالات در هر سال	اولویت مطالعاتی
کانت و ایدئالیسم آلمانی	استنتاج استعلایی، مقولات، انقلاب کپرنیکی، تعارضات، هگل و فیخته	۵ الی ۶	اولویت الف
عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی مدرن	دکارت (کوگیتو و شک)، اسپینوزا (جوهر و حالات)، لایبنیتس، لاک، بارکلی، هیوم	۵ الی ۶	اولویت الف
فلسفه پدیدارشناسی و اگزیستانسیالیسم	هوسرل (قصیدیت، اپوخه)، هایدگر (دازاین، تکنولوژی)، سارتر (فی‌نفسه/لنفسه)، مرلوپونتی	۴ الی ۵	اولویت الف
یونان باستان و قرون وسطی	افلاطون (مجاورات، مثل)، ارسطو (علل، ماده و صورت)، آکویناس، آگوستین، اکهارت	۴ الی ۵	اولویت ب
فلسفه معاصر فرانسوی و پس‌اساختارگرایی	فوکو (دیرینه‌شناسی، تبارشناسی)، دلوز (تفاوت و کثرت)، لویناس (اخلاق)، دریدا	۳ الی ۴	اولویت ب

(ج) منطق عمومی

عنوان مبحث منطقی	محورهای مورد پرسش	میانگین سؤالات در هر سال	اولویت مطالعاتی
منطق قدیم (ارسطویی)	احکام قضایا (عکس مستوی، عکس نقیض)، اشکال چهارگانه قیاس، مواد قضایا	۴ الی ۵	اولویت الف
منطق جدید (گزاره‌ها و محمولات)	جدول ارزش، سورها، هم‌ارزی‌ها، استنتاج معتبر، تعبیر و مدل نقض	۴ الی ۵	اولویت الف

(د) فلسفه تحلیلی و فلسفه زبان

محور اصلی مبحث	متفکران و نظریات شاخص	میانگین سؤالات در هر سال	اولویت مطالعاتی
فرگه، راسل و ویتگنشتاین متقدم	معنا و مدلول، اصل بافت، نظریه توصیفات، اتمیسم منطقی، نظریه تصویری	۴ الی ۵	اولویت الف
ویتگنشتاین متأخر و زبان متداول	بازی‌های زبانی، کاربرد، شباهت خانوادگی، افعال گفتاری، آستین و گرایس	۲ الی ۳	اولویت ب
معرفت‌شناسی، پراگماتیسم و فرااخلاق	جی. ای. مور (تعریف‌ناپذیری خوب)، پاتنم، کواپن (کل‌گرایی، نقد تمایز تحلیلی/تألیفی)	۲ الی ۳	اولویت ب

مقدمه تحلیلی: واکاوی جهت‌گیری و الگوی تطور سوالات آزمون دکترای تخصصی فلسفه (۱۳۹۹-۱۴۰۴)

۱. در آمد و چشم‌انداز راهبردی آزمون ورودی دوره دکتری تخصصی فلسفه (کد ۲۱۳۶) در بازه پنج‌ساله اخیر (از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴) دگرگونی‌های ساختاری و محتوایی در خوری را پشت سر گذاشته است. مطالعه موشکافانه این روند نشان می‌دهد که رویکرد سنجش سنجش از پرسش‌های حافظه‌محور و مبتنی بر بازخوانی تعاریف منفرد، به‌سوی ارزیابی‌های ترکیبی، متن‌محور و واکاوی نسبت‌های منطقی و معرفت‌شناختی گذر کرده است. درک این نقشه مفهومی به داوطلب دیدگاهی استراتژیک می‌بخشد تا با اولویت‌بندی بهینه سرفصل‌ها، انرژی تحلیلی خود را بر محورهای کلیدی متمرکز سازد.

۲. مباحث همواره پرتکرار و پایدار (کانون‌های تغییرناپذیر آزمون)

برخی فصول در آزمون سراسری شأن بنیادی دارند و در همه ادوار اخیر بیشترین بسامد سوالات را به خود اختصاص داده‌اند:

- **در فلسفه اسلامی:** محور «وجود و عوارض ذاتی آن» (اصالت، تشکیک، زیادت وجود بر ماهیت و مسئله وجود ذهنی)، در کنار مباحث «مواد ثلاث و علیت» (وجود و امکان، قاعده الواحد، تلازم علیت با وجوب و نقد تسلسل)، ستون فقرات سوالات این بخش را تشکیل می‌دهند. همچنین مسئله «مراتب عقل و حقیقت علم» (تمایز علم حصولی و حضوری و علم باری تعالی) پیوسته محل طرح سوالات چندوجهی بوده است.
- **در فلسفه غرب:** سنجش خرد ناب ایمانوئل کانت (به‌ویژه استنتاج استعلایی مقولات، جدول احکام، انقلاب کپرنیکی و تعارضات عقل محض) بدون استثنا پای ثابت سوالات هر ساله بوده است. در ادامه، سنت عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی قرن هفدهم و هجدهم (کوگیتو و شک دکارتی، مونیسیم اسپینوزا، نظریه ادراکات بارکلی و نقد علیت هیوم) وزنه سنگین آزمون به شمار می‌رود.
- **در منطق عمومی:** احکام قضایا (عکس مستوی، عکس نقیض موافق و مخالف، نقض محمول) و ساختار قیاس‌های اقترانی ارسطویی همواره در قالب مسائل ترکیبی مطرح شده‌اند. در منطق جدید نیز تحلیل سورها، هم‌ارزی‌های گزاره‌ای و استخراج مدل نقض همواره جایگاه تثبیت‌شده‌ای داشته‌اند.
- **در فلسفه تحلیلی:** نظریه توصیفات معین راسل، نظریه تصویری ویتگنشتاین متقدم، تمایز معنا و مدلول و اصل بافت فرگه همواره بخش اعظم سوالات این حوزه را شامل شده‌اند.

۳. شیفت پارادایمی و تغییر تمرکز طراحان (از ماده به روش و متن)

طی این ۵ سال، چند چرخش جهت‌دار در طراحی سوالات رخ داده است:

- **چرخش به‌سوی عبارات عربی اصیل و متن‌خوانی در فلسفه اسلامی:** برخلاف سال‌های پیشین که سوالات به‌صورت ترجمه یا بیان آزاد مفاهیم بود، در دوره‌های اخیر (به‌ویژه ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴) بخش چشمگیری از سوالات مستقیماً از متون دست‌اول نظیر *نهایة الحکمة* علامه طباطبایی، *الشفاء و الاشارات والتنبيهات* ابن‌سینا و *الاسفار الاربعة* ملاصدرا عیناً به‌صورت متن عربی نقل شده و داوطلب ملزم به درک اصطلاحات تخصصی در سیاق متن است.
- **چرخش از نظریه‌پردازی صرف به‌سوی تاریخ‌مندی و روش‌شناسی در فلسفه قاره‌ای:** تمرکز طراحان از بازگویی مکاتب کلاسیک، به سمت ادوار فکری و تحولات متدولوژیک فیلسوفان تغییر یافته است؛ نمونه بارز آن توجه پرنرنگ به روش‌های سه‌گانه میشل فوکو (ساختارگرایی، دیرینه‌شناسی، تبارشناسی)، مراحل سیر آگاهی در پدیدارشناسی هگل و سیر هرمنوتیک از متدولوژی تا هستی‌شناسی (از شلایرماخر و دیلتای تا هایدگر و گادامر) است.
- **حرکت به‌سوی مسائل فرااخلاق و فلسفه زبان روزمره:** در بخش معاصر و تحلیلی، شیفت آشکاری از مباحث منطقی محض به سمت مباحث معناشناسی عمل‌گرایانه (افعال‌گفتاری آستین و گرایس)، نزاع رئالیسم و ضدرئالیسم در اخلاق (نظریه تعریف‌ناپذیری خوب جورج ادوارد مور و ایده اخلاق بدون هستی‌شناسی پاتنم) و تمایز کلام منطوق و ناطق مشاهده می‌شود.

۴. چهره‌ها و فیلسوفان با بالاترین بسامد و ضریب اهمیت

- **فلسفه اسلامی:** در رتبه نخست علامه طباطبایی با دستگاه تحلیلی *نهایة الحکمة و اصول فلسفه و روش رئالیسم* بیشترین بسامد استنادی را دارد؛ پس از ایشان، **صدرالمتألهین شیرازی** (حکمت متعالیه) و **ابن‌سینا** (حکمت مشاء) و در مراتب بعدی **شیخ اشراق** و **خواجه نصیرالدین طوسی** قرار دارند.

- **فلسفه غرب:** ایمانوئل کانت بی‌رقیب‌ترین فیلسوف در بسامد طرح تست است. در کنار او، **باروخ اسپینوزا** (تعریف جبر، حالات و صفات، عشق عقلانی به خدا)، **رنه دکارت**، **ارسطو** (علل، قوه و فعل، کلی طبیعی) و **افلاطون** (تحلیل محاورات خاص) در صدر قرار دارند.
- **فلسفه معاصر و تحلیلی:** **لودویگ ویتگنشتاین** (هر دو دوره متقدم و متأخر) بالاترین سهم را دارد. پس از وی **پرتراند راسل**، **مارتین هایدگر**، **ادموند هوسرل**، **ژان پل سارتر**، **گوتلوب فرگه** و **میشل فوکو** پرتکرارترین شخصیت‌های این حوزه هستند.

۵. توصیه‌های راهبردی به داوطلبان برای مطالعه هدفمند

- **تسلط عمیق بر متن عربی بدایه و نهاییه:** از اکتفا به خلاصه یا ترجمه‌های صرف خودداری کنید؛ تسلط بر واژگان کلیدی عربی نظیر «طرد عدم»، «مساوقت»، «حیثیات تقییدیه و تعلیلیه»، «من حیث هی هی» و «به شرط لا/لا به شرط» الزامی است.
- **مطالعه کانت به مثابه هسته مرکزی غرب:** درک دقیق ساختار کتاب **نقد عقل محض** (تمایز حسیات، تحلیل و دیالکتیک استعلایی) حداقل ۴ تا ۶ تست شما را در بخش غرب و عمومی تضمین می‌کند.
- **تفکیک دوگانه دوره‌های فکری متفکران:** در مطالعه فیلسوفانی چون ویتگنشتاین (تراکتاتوس در برابر پژوهش‌ها)، راسل (ثنویت در برابر مونیسم خنثی)، هایدگر (هایدگر اول در برابر چرخش متأخر) و فوکو (دیرینه‌شناسی در برابر تبارشناسی)، تفاوت ترمینولوژی هر دوره را با دقت مدون نمایید.
- **تمرین معکوس‌سازی قضایا در منطق:** برای بخش منطق، روزانه به حل جبری قضایای منطق قدیم (قواعد عکس و نقیض) و جداول ارزش منطق جدید بپردازید؛ این بخش نمره‌آورترین قسمت آزمون با کمترین میزان ابهام مفهومی است.

۶. **روان‌شناسی زمان و مدیریت دفترچه در جلسه آزمون (استراتژی ۱۰۵ دقیقه‌ای):** دفترچه تخصصی کنکور دکتری دارای ۸۰ سوال و ۱۰۵ دقیقه زمان پاسخ‌گویی است. این محدودیت زمانی، مدیریت روانی و تاکتیکی ویژه‌ای را می‌طلبد:

- **تله چیدمان دفترچه (سوالات منطق در آغاز):** دفترچه با ۱۰ سوال منطق صوری و نمادین آغاز می‌شود. این سوالات اغلب به دلیل ساختار فرمول‌بندی شده و نیاز به حل مسئله، انرژی ذهنی بالایی مصرف می‌کنند و می‌توانند باعث اضطراب آغازین شوند. توصیه راهبردی این است که داوطلب آزمون را از سوال ۱۱ (فلسفه اسلامی یا غرب) که سوالاتی متنی، تشخیصی و سریع‌تر هستند آغاز کند و سوالات منطق را به نیمه دوم زمان آزمون موکول نماید.
- **تکنیک زمان‌بندی سه مرحله‌ای (مدل ۲۵-۴۰-۴۰):**
 ۱. ۴۰ دقیقه اول (پیمایش سریع سوالات متنی): پاسخ‌گویی به سوالات فلسفه اسلامی، فلسفه غرب و معاصر؛ سوالاتی که پاسخ آن‌ها کاملاً مشخص است و بدون مکث علامت زده می‌شوند (حدود ۵۰ سوال).
 ۲. ۴۰ دقیقه دوم (تمرکز تحلیلی و منطق): اختصاص زمان متمرکز به ۱۰ سوال منطق و سوالات چندگزینه‌ای پیچیده فلسفه تحلیلی که نیازمند تامل و استنتاج هستند.
 ۳. ۲۵ دقیقه پایانی (مدیریت شک‌ها و بازبینی): بازگشت به سوالات نشانه‌دار؛ تصمیم‌گیری قطعی درباره گزینه‌هایی که میان دو مورد تردید وجود دارد، همراه با پایبندی سخت‌گیرانه به پرهیز از ریسک منفی زدن.
- **مهار اثر «تثبیت بر روی سوال دشوار»:** «در آزمون دکتری تمام سوالات ضریب یکسانی دارند. توقف بیش از ۹۰ ثانیه بر روی یک سوال فلسفی دشوار یا مبهم، به معنای از دست دادن زمان دو سوال آسان در انتهای دفترچه است. داوطلب باید با شجاعت سوالات مبهم را علامت زده و بلافاصله عبور کند.

پیش‌گفتار و راهنمای جامع اثر

به نام یگانه هستی‌بخش دانایی‌آفرین

آزمون ورودی دوره دکتری تخصصی فلسفه (کد ۲۱۳۶) در سال‌های اخیر دستخوش تحولاتی بنیادین در ساختار و محتوا شده است. این آزمون از سنجش‌های مبتنی بر محفوظات به سمت آزمونی متن‌محور، تحلیلی، انتقادی و روش‌شناسانه حرکت کرده است. کتاب حاضر با هدف پاسخ به نیاز داوطلبان، دانشجویان و پژوهشگران، و برای نخستین بار به عنوان اثری جامع، تحلیلی و مستند برای پاسخ‌گویی تشریحی به پرسش‌های آزمون‌های دکتری فلسفه تدوین شده است. اثر پیش‌رو صرفاً یک دفترچه سؤالات همراه با کلید نیست؛ بلکه یک درسنامه آموزشی، تطبیقی و روش‌شناختی است که متون اصیل سنت‌های حکمی اسلامی و غربی را به بوته تحلیل می‌گذارد.

۱. رسالت، ضرورت و پیشینه اثر

در بازار نشر دانشگاهی، اغلب کتاب‌های آمادگی آزمون‌های دوره‌های تکمیلی به گردآوری گزینه‌ای سؤالات با پاسخ‌هایی کوتاه و فاقد ارجاع بسنده می‌کنند. این شیوه برای پاسخ‌گویی به آزمون‌های اخیر دکتری فلسفه—که عبارات عربی را مستقیماً از آثاری چون *نهایة الحکمة*، *الشفاء* و *الاسفار الاربعة* نقل می‌کنند و در فلسفه غرب به سراغ تمایزات فنی در زبان‌های مبدأ و ادوار فکری متفکران می‌روند—کارآمد نیست. مؤلفان و گردآورندگان این مجموعه در نشر پردازش کوشیده‌اند تا با ایجاد پیوند میان نیازهای آزمونی و پژوهش‌های آکادمیک، مرجعی ماندگار پدید آورند که هم ابزار موفقیت در آزمون دکتری باشد و هم به عنوان راهنمای اصطلاح‌شناسی فلسفی برای رساله‌نویسی و پژوهش‌های دانشگاهی به کار آید.

۲. روش کار، شیوه پژوهش و استانداردهای تألیف

تدوین این اثر بر پایه پنج گام روش‌شناختی سامان یافته است:

- **استخراج و پالایش دقیق سؤالات:** تمام پرسش‌های آزمون‌های ورودی بر اساس دفترچه‌های رسمی سازمان سنجش آموزش کشور بررسی، پالایش و از غلط‌های چاپی یا ابهامات نگارشی پاک‌سازی شده‌اند.
- **تطبیق نص به نص با منابع دست‌اول:** هر سؤال بلافاصله به منبع تاریخی و متن اصلی خود ارجاع داده شده است. در بخش فلسفه اسلامی، فقرات دقیق کتاب‌های *الاسفار الاربعة*، *نهایة الحکمة*، *الشفاء*، *الاشارات والتنبيهات*، *المباحث المشرقية* و *شرح المنظومة* بازیابی و اعراب‌گذاری شده‌اند. در بخش فلسفه غرب، علاوه بر مجموعه نه جلدی *تاریخ فلسفه* فردریک کاپلستون، محاورات افلاطون، *متافیزیک* و *اخلاق* ارسطو، *تأملات* دکارت، *اخلاق اسپینوزا*، *نقد عقل محض* کانت، *پدیدارشناسی روح* هگل و آثار برجسته فلاسفه تحلیلی و معاصر (فرگه، ویتگنشتاین، راسل، هایدگر، سارتر، فوکو و دلوز) متن مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند.
- **صورت‌بندی منطقی و استدلالی پاسخ‌ها:** در نگارش پاسخ‌ها، از یک الگوی منظم قیاسی شامل «صغری»، «کبری» و «نتیجه» استفاده شده است تا مخاطب منطق درونی برهان را متوجه شود و تنها به حفظ گزاره‌ها تکیه نکند.
- **کالبدشکافی گزینه‌های انحرافی:** تمرکز پاسخ‌نامه تنها بر اثبات گزینه صحیح نیست؛ بلکه تمامی گزینه‌های نادرست بررسی شده‌اند تا دلایل بطلان آن‌ها، دام‌های طراحان سؤال، و مغالطات احتمالی ناشی از جابه‌جایی مکاتب آشکار شود.
- **ایجاد پیوندهای تطبیقی و ردیابی چرخش‌های فکری:** در ذیل پاسخ‌ها، علاوه بر بازخوانی ادوار فکری متفکران (نظیر دوره‌بندی فوکو یا تمایزات ویتگنشتاین متقدم و متأخر)، پنجره‌های تطبیقی میان فلسفه اسلامی و اندیشه‌های معاصر گشوده شده تا خواننده شبکه‌ای از مفاهیم هم‌پوشان را در ذهن ترسیم کند.

۳. مهندسی ساختار کتاب و معرفی محتویات

محتوای کتاب بر مبنای دفترچه‌های آزمون سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ و تحلیل‌های تجمیعی دوره پنج‌ساله تدوین شده و بخش‌های زیر را در بر می‌گیرد:

- **فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی و فلسفه غرب):** بررسی مباحث مقایسه‌ای، تعاریف بنیادین علوم، مبادی و مسائل، و کلیات فلسفی.
- **فلسفه اسلامی (عمومی و تخصصی):** واکاوی دقیق هستی‌شناسی (امور عامه، اصالت و تشکیک وجود، جعل، مواد ثلاث، حدوث و قدم)، طبیعیات (جسم، حرکت، زمان)، علم‌النفوس و مراتب عقل، و الهیات بالمعنی‌الاصح (توحید، صفات و افعال الهی) در مکاتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه.
- **فلسفه غرب (یونان باستان، قرون وسطی و مدرن):** بررسی کیهان‌شناسی و انسان‌شناسی یونان، فلسفه هلنیستی، الهیات اسکولاستیک، عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی کلاسیک، و فلسفه نقادی کانت و ایدئالیسم آلمانی.
- **فلسفه معاصر و قاره‌ای:** بررسی رویکردهای پدیدارشناسی (هوسرل، هایدگر، مرلوپونتی)، اگزیستانسیالیسم (سارتر)، هرمنوتیک (شالایرماخر تا گادامر)، پساساختارگرایی و فلسفه تفاوت (فوکو و دلوز).
- **فلسفه تحلیلی و فلسفه زبان:** تشریح ریشه‌های منطق‌گرایی، تمایز معنا و مدلول فرگه، اتمیسم منطقی و توصیفات راسل، نظریه تصویری و بازی‌های زبانی ویتگنشتاین، فرااخلاق مور، و پراگماتیسم معاصر.
- **درسنامه‌های مروری و راهبردی:** در پایان هر بخش، درسنامه‌ای فشرده و ساختاریافته همراه با جداول مقایسه‌ای تدوین شده است تا در ایام مرور و جمع‌بندی، جمع‌بندی نکات کلیدی را تسهیل کند.

۴. بخش‌های تکمیلی و ابزارهای پژوهشی کتاب

برای تبدیل کتاب به مرجعی منسجم، بخش‌های تکمیلی زیر در نظر گرفته شده است:

- **جداول تحلیل آماری و فراوانی موضوعی:** تفکیک دقیق فراوانی سرفصل‌ها در دوره پنج‌ساله، مشخص‌کننده ضریب اهمیت و تعداد سؤالات هر مبحث برای برنامه‌ریزی هدفمند.
- **مقدمه تحلیلی و راهنمای مدیریت زمان:** بررسی تغییرات گرایش طراحان و ارائه الگوهای مدیریت جلسه آزمون (استراتژی ۱۰۵ دقیقه‌ای و مدل زمانی ۴۰-۴۰-۲۵).
- **نمایه موضوعی و اصطلاح‌نامه تخصصی (Index):** دسته‌بندی الفبایی صدها مدخل، اصطلاح و نام فیلسوف به همراه شماره صفحات برای بازیابی سریع مباحث در کل اثر.
- **کتاب‌شناسی و فهرست منابع استاندارد:** تدوین کتاب‌شناسی بر اساس نظام استاندارد APA (ویرایش هفتم) برای دسترسی به مراجع اصلی مورد استناد.

۵. راهنمای مطالعه اثر

برای بهره‌برداری حداکثری، پیشنهاد می‌شود داوطلبان ابتدا جداول آماری و اولویت‌های مطالعاتی (الف و ب) را بررسی نمایند؛ سپس هنگام مطالعه هر سؤال، به واژه‌شناسی، صورت‌بندی استدلال و بررسی سایر گزینه‌ها دقت کنند؛ کادرهای جمع‌بندی و تکنیک‌های تستی را برای تثبیت ذهنی مرور کرده و در فاز مرور نهایی، به درسنامه‌ها و نمایه موضوعی انتهای کتاب تکیه نمایند. امید است این اثر گامی استوار در ارتقای دانش پژوهشگران و همراهی مطمئن برای راه‌یابی شایسته داوطلبان به دوره‌های دکتری تخصصی فلسفه باشد.

حسین کفاشیان بیلندی

پاییز ۱۴۰۵



۲۱. کدام فیلسوف، با قول به غایت در طبیعت مخالف است؟
 (۱) آناکساگوراس (۲) ارسطو (۳) اسپینوزا (۴) لایبنیتس
۲۲. ویژگی بارز رویکرد فکری فوکو در دوره دوم فکری اش کدام است؟
 (۱) تبارشناسی (۲) پدیدارشناسی (۳) دیرینه‌شناسی (۴) ساختارگرایی
۲۳. بنیادی‌ترین خصلت «دازاین» در هایدگر، کدام مورد است؟
 (۱) بودن با دیگران (۲) پروا داشتن (۳) سقوط داشتن (۴) در جهان بودن
۲۴. اصطلاحات «ریزوم»، «استعاره»، «ذهن شیشه‌ای»، «دازاین» و «شبکه باورها»، به ترتیب، به کدام فیلسوفان مربوط می‌شود؟
 (۱) دلوز - ریکور - رورتی - هایدگر - کواین (۲) دلوز - فوکو - رورتی - هایدگر - کواین
 (۳) ریکور - فوکو - رورتی - کواین - هایدگر (۴) کواین - رورتی - فوکو - هایدگر - دلوز
۲۵. در پدیدارشناسی هوسرل، کدام مفهوم بیانگر «کنار گذاشتن فعلیت و تاریخ اشیا» است؟
 (۱) اپوخه (۲) تقویم (۳) قصدیت (۴) تقلیل ایدتیک
۲۶. کدام مورد با آموزه‌های مطرح در رساله پارمنیدس افلاطون ناسازگار است؟
 (۱) نظریه مُثُل را باید کنار گذاشت.
 (۲) بیان رابطه مُثُل با اشیای ملموس دشوار است.
 (۳) نمی‌توان گفت که مُثُل در واقع فقط اندیشه‌هایی در ذهن ما هستند.
 (۴) اگر مُثُل را کنار بگذاریم، امکان سخن گفتن و پژوهش را منتفی خواهیم کرد.
۲۷. کدام پوزیتویست منطقی معتقد است که می‌توان فلسفه را به یک علم فیزیکیالیستی یگانه منحل کرد؟
 (۱) موریس شلیک (۲) آتو نویرات (۳) رودلف کارنپ (۴) هانس هان
۲۸. کدام مورد، جزو اندیشه‌های جان لاک نیست؟
 (۱) نمی‌توان دانست که موجودات مادی محض می‌اندیشند یا نه.
 (۲) تجرد جوهر نفسانی و بقای نفس قابل اثبات دقیق عقلی است.
 (۳) تصور مرکب ما از خدا و نفوس، از راه مراقبه (تأمل) به دست می‌آید.
 (۴) جوهر ادراک نمی‌شود، بلکه به منزله موضوع اعراض استنباط می‌شود.
۲۹. جرج بارکلی در رساله «نظریه جدید رؤیت»، تصورات کدام حس را بازنما می‌داند؟
 (۱) بینایی (۲) شنوایی (۳) ذائقه (۴) لامسه
۳۰. دیوید هیوم، کدام نظر جرج بارکلی را بزرگ‌ترین و ارزشمندترین کشفیات اخیر می‌داند؟
 (۱) زبان بصری الهی (۲) نفی وجود جسم
 (۳) نفی تصورات کلی مجرد (۴) نسبیت میان وجود و ادراک
۳۱. کانت کدام کاربرد مفاهیم استعلایی عقل محض را درست می‌داند؟
 (۱) استدلالی (۲) تجربی (۳) تنظیمی (۴) تقویمی
۳۲. از نظر کانت، کدام مورد «استنتاج استعلایی مقولات» نامیده می‌شود؟
 (۱) اثبات موجه بودن شهودهای حسی (۲) اثبات موجه بودن اطلاق مقولات
 (۳) بیان نحوه حصول مقولات در ذهن (۴) بیان نحوه حصول شاکله‌ها در ذهن
۳۳. راسل برای حلّ پارادوکس مجموعه‌ها، کدام نظریه را مطرح کرده است؟
 (۱) اتمیسم منطقی (۲) مونیسیم خنثی (۳) طبقات (۴) توصیفات
۳۴. از نظر شلینگ، فلسفه مثبت بر چه چیز تأکید دارد؟
 (۱) خدا (۲) مفهوم (۳) ماهیت (۴) وجود
۳۵. به ترتیب، کدام فیلسوف زبان گویای روح جنبش رمانتیک و کدام یک، منتقد تند آن محسوب می‌شد؟
 (۱) شلایرماخر - هگل (۲) هگل - شلینگ (۳) شلایرماخر - فیشته (۴) شلینگ - فیشته



۳۶. کدام عبارت، بیانگر نظر ارسطو درباره خدا نیست؟
 (۱) فکر قائم به ذات است.
 (۲) علت فاعلی حرکت در جهان است.
 (۳) به صورت جاودانه به خود می‌اندیشد.
 (۴) در یک فعل سرمدی شهود، خود را می‌شناسد.
۳۷. دوره اول فکری راسل، به کدام دوره معروف است؟
 (۱) ایده‌آلیستی یا نوهگل‌گرایی
 (۲) ایده‌آلیستی یا نوکانتی
 (۳) رئالیستی یا هیومی
 (۴) رئالیستی یا ارسطویی
۳۸. در معرفت‌شناسی معاصر، طرح مثال‌های نقضی در برابر تعریف سنتی یا سه‌بخشی معرفت (باور صادق موجه)، به چه کسی نسبت داده می‌شود؟
 (۱) ادموند گتیه
 (۲) روبرت نازیک
 (۳) رودریک چیزلم
 (۴) نلسون گودمن
۳۹. تر تولیانوس در مبحث عقل و وحی در قرون وسطی، از کدام موضوع دفاع می‌کرد؟
 (۱) برتری وحی
 (۲) برتری عقل
 (۳) هماهنگی عقل و وحی
 (۴) برتری عقل منور به نور ایمان
۴۰. کدام مورد، با نظر افلاطون در خصوص مثال خیر سازگار نیست؟
 (۱) نسبتش مثال‌های دیگر مانند نسبت خورشید با موجودات محسوس است.
 (۲) همسان دیگر مثال‌ها، دارای وجودی معقول است.
 (۳) مبدأ شناخت شناختنی‌هاست.
 (۴) مبدأ وجود موجودات است.
۴۱. کدام عبارت، به معنای مورد نظر برگسون از «شهود» نزدیک‌تر است؟
 (۱) روش درآمیختن با جریان سیال وجود
 (۲) ادراکی کمی از واقعیات مادی به مدد حافظه
 (۳) تجربه با احساسی غیرقابل توصیف از زمان
 (۴) ادراکی فراحسی که با آن می‌توان حقایق متعالی را دریافت.
۴۲. آگوستین، کدام عقیده را در خصوص آفرینش جهان قبول ندارد؟
 (۱) خدا جهان را از هیچ آفریده است.
 (۲) خدا به نحوی بی‌زمان سبب می‌شود که جهان آغاز شود.
 (۳) خدا جهان را از ماده‌ای ازلی به وجود آورده است.
 (۴) آفرینش جهان دفعی و کامل و پیدایش تدریجی مخلوقات ناشی از عقول بذری است.
۴۳. اصطلاح دیالکتیک در کاربرد کدام فیلسوف، صبغه عرفانی دارد؟
 (۱) بوئتیوس
 (۲) فریدریش هگل
 (۳) توماس آکویناس
 (۴) ژان اسکات اریژن
۴۴. کواپن در مقاله «دو جزم تجربه‌گرایی»، به کدام مفاهیم حمله کرده است؟
 (۱) عقل و حس
 (۲) سوژه و ابژه
 (۳) تحلیلی و تألیفی
 (۴) فطری و عارضی
۴۵. فوکو در تحلیل معنای «جنون» در عصر کلاسیک، جنون را به مثابه چه چیزی توصیف می‌کند؟
 (۱) حیولیت
 (۲) فرزاندگی
 (۳) بیماری روانی
 (۴) نشانه غضب الهی
۴۶. هوسرل، مفهوم «قصیدیت» را از کدام فیلسوف اقتباس کرده است؟
 (۱) برنتانو
 (۲) فرگه
 (۳) هگل
 (۴) کانت
۴۷. کدام ویژگی از نظر جان استورات میل در تقابل با جرمی بنتام، دلیل ترجیح لذات روحی بر لذات جسمانی است؟
 (۱) آسان‌یاب‌تر
 (۲) امن‌تر
 (۳) پایدارتر
 (۴) کیفیت بالاتر
۴۸. کدام عقیده در باب ریاضیات و منطق، مربوط به راسل نیست؟
 (۱) ریاضیات قابل تحویل به منطق است.
 (۲) ریاضیات قوانین حاکم بر هر جهان ممکن است.
 (۳) گزاره‌های ریاضی را می‌توان در قالب گزاره‌های منطقی بیان کرد.
 (۴) ریاضیات بر قوانین روان‌شناختی حاکم بر تفکر انسان مبتنی است.



۴۹. مطابق نظر گادامر در خصوص نسبت هرمنوتیک و اثر هنری، کدام مورد درست است؟
 (۱) تفهم یک اثر، به معنای تفهم غرض مؤلف آن است.
 (۲) وظیفه حقیقی هرمنوتیک، بازسازی و اعاده یک اثر به وضعیت اولیه آن است.
 (۳) آنچه در یک اثر آمده است، اولاً و بالذات احساسات و عقاید پدیدآورنده آن است.
 (۴) هرمنوتیک گذشته و حال یک اثر را به هم متصل می‌کند و با یکپارچه کردن آن اثر، به پیام آن برای عصر فعلی توجه می‌دهد.
۵۰. در آموزه‌های کدام فیلسوف، نباید زیبایی را در اخلاق جست‌وجو کنیم؟
 (۱) افلاطون (۲) ژان پل سارتر (۳) دیوید هیوم (۴) توماس آکویناس
۵۱. سه احساس بنیادی از دیدگاه اسپینوزا کدام‌اند؟
 (۱) تفاخر - شهرت - شهوت (۲) ترس - خشم - دوستی
 (۳) عشق - نفرت - حسد (۴) شادی - اندوه - میل
۵۲. در نقد عقل محض کانت، دوگانه «تعیین‌گرایی - آزادی» ذیل کدام عنوان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؟
 (۱) ایدآل عقل محض (۲) روش‌شناسی عقل نظری
 (۳) تعارضات عقل نظری (۴) مغالطات عقل محض
۵۳. «بژه داوری شده» در تحلیل استعلایی کانت، معادل با کدام است؟
 (۱) ادراکی (۲) شهودی (۳) شاکله‌مند شده (۴) مفهوم‌مند شده
۵۴. مهم‌ترین مسئله از دیدگاه فیلسوفان تحلیلی کدام است؟
 (۱) صدق گزاره‌ها (۲) معنی‌داری گزاره‌ها
 (۳) تحقیق‌پذیری گزاره‌ها (۴) تقسیم‌بندی گزاره‌ها به تحلیلی و تألیفی
۵۵. جهان‌بینی کدام فیلسوف، شباهت زیادی به جهان‌بینی برگسون دارد؟
 (۱) راسل (۲) وایتهد (۳) مور (۴) ویتگنشتاین
۵۶. کدام فیلسوف، اخلاق را فلسفه اولی می‌داند؟
 (۱) لویناس (۲) پاتنم (۳) هایدگر (۴) هوسرل
۵۷. منطق دیالکتیکی هگل، در نظر خود او چه شأنی دارد؟
 (۱) صرفاً ضرورت ذهنی دارد.
 (۲) به سان منطق ارسطو، ابزار فلسفه است.
 (۳) منطق حاکم بر واقعیات امور است که او کشف کرده است.
 (۴) مدل پیشنهادی او برای مطالعه واقعیات است که او وضع کرده است.
۵۸. از نظر اسپینوزا، «فاعل مختار» کدام است؟
 (۱) موجودی که صرفاً به اقتضای ضرورت ذات خود عمل می‌کند.
 (۲) موجودی که از قید هرگونه قانون و الزام بیرونی و یا درونی آزاد باشد.
 (۳) فاعلی که همواره مصلحت و تبعات انتخاب‌های خود را مدنظر قرار می‌دهد.
 (۴) فاعلی که در هر موقعیتی، براساس سنجش دقیق خیر و شر امور تصمیم می‌گیرد.



موضوع سوال:

موضوع این سؤال، تقابل دیدگاه «غایت‌شناسی» (Teleology) در برابر دیدگاه «مکانیسم» (Mechanism) و «موجبیت‌گرایی» (Determinism) در تبیین پدیده‌های طبیعی در تاریخ فلسفه است. سؤال به دنبال متفکری است که غایت‌مندی هستی را از اساس منکر شده است.

پاسخ تشریحی:

اسپینوزا، فیلسوف خردگرای قرن هفدهم، سرسخت‌ترین منتقد غایت‌مندی در طبیعت است. در دستگاه فلسفی او (پانتئیسم یا وحدت وجود)، خدا همان طبیعت (Deus sive Natura) است و فاقد اراده، قصد و غایت انسانی است. جوهر یگانه هستی صرفاً بر اساس ضرورت قوانین ذاتی خود بسط می‌یابد. از دیدگاه او، تصور اینکه جهان برای هدف خاصی آفریده شده، خطایی انسان‌انگارانه (Anthropomorphic) است؛ زیرا غایت داشتن به معنای نقص و تلاش برای رسیدن به کمالی فاقد شده است، در حالی که جوهر نامتناهی از پیش کامل است.

مستندسازی

اسپینوزا این نقد کوبنده را به طور مفصل در ضمیمه بخش اول کتاب /خلاق (Ethics) مطرح کرده است. او در آنجا تصریح می‌کند که اعتقاد به غایت در طبیعت، ناشی از تعمیم نابجای الگوهای رفتاری انسان (که برای رسیدن به هدفی عمل می‌کند) به کل هستی است و پناه بردن به علت غایی، در واقع پناه بردن به «پناهگاه جهل» است.

واژه شناسی

دترمینیسم (موجبیت‌گرایی) اسپینوزایی مکتبی است که معتقد است هر رویدادی در جهان معلول ضروری علل پیشین است و هیچ رویدادی معطوف به هدفی در آینده رخ نمی‌دهد. این مکتب در تقابل با تئیسم (خداباوری انسان‌وار) که قائل به آفرینش هدفمند است، قرار دارد.

بررسی سایر گزینه ها:

- گزینه ۱ (آناکساگوراس): او نخستین کسی بود که مفهوم «نوس» (Nous) یا عقل جهانی را به عنوان نیروی غایت‌بخش و نظم‌دهنده به کثرت مادیات معرفی کرد، لذا مبدأ تفکر غایت‌گراست.
- گزینه ۲ (ارسطو): قهرمان بلامنازع غایت‌شناسی در تاریخ فلسفه است. او «علت غایی» را مهم‌ترین علت در میان علل اربعه می‌دانست و معتقد بود «طبیعت هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد».
- گزینه ۴ (لایبنیتس): او تلاش کرد فیزیک مکانیکی را با متافیزیک غایت‌شناختی آشتی دهد. اصل «دلیل کافی» و نظریه «هماهنگی پیشین‌بنیاد» او، دقیقاً بر پایه‌ی غایت‌مندی و انتخاب بهترین جهان ممکن توسط اراده‌ی الهی استوار است.

کادرهای جمع‌بندی :

فلسوف	موضع در قبال غایت در طبیعت (Teleology)	کلیدواژه فلسفی مرتبط
آناکساگوراس	موافق (بنیان‌گذار اولیه)	نوس (عقل کیهانی)
ارسطو	موافق (غایت‌گرایی مطلق)	علت غایی (Causa Finalis)
لایبنیتس	موافق (تلفیق مکانیسم و غایت)	بهترین جهان ممکن / هماهنگی پیشین‌بنیاد
اسپینوزا	مخالف مطلق	ضرورت هندسی / نفی اراده در جوهر / ضمیمه بخش اول کتاب اخلاق

راه حل تستی

در تست‌های تاریخ فلسفه مدرن، هر جا کلیدواژه‌هایی نظیر «نفی علت غایی»، «نفی اراده و اختیار از خداوند»، «موجبیت مطلق هندسی» یا تقبیح پناه بردن به «پناهگاه جهل» به چشم خورد، بدون اتلاف وقت گزینه «اسپینوزا» را انتخاب کنید. او در میان فلاسفه مدرن، تندروترین مخالف تفکر غایت‌شناختی است.



۲۲. گزینه ۳)

۲۳. گزینه ۴)

موضوع سوال:

موضوع این سؤال به هستی‌شناسی بنیادین (Fundamental Ontology) مارتین هایدگر و تحلیل اگزیستانسیال (Existential Analysis) او از انسان مربوط می‌شود. سؤال در پی یافتن بنیادی‌ترین و نخستین ساختار وجودی است که هایدگر برای توصیف نحوه هستی انسان (دازاین) به کار می‌برد.

پاسخ تشریحی:

در اندیشه هایدگر، انسان دیگر یک سوژه دکارتی جداافتاده از ابژه (جهان) نیست، بلکه هویتی است که ذات او در ارتباط تنگاتنگ با جهان پیرامونش تعریف می‌شود. بنیادی‌ترین خصلت و ساختار اولیه دازاین، «در-جهان-بودن» است. این مفهوم یک پدیده واحد و یکپارچه است، به این معنا که نمی‌توان دازاین را بدون جهان، و جهان را بدون دازاین تصور کرد. دازاین پیش از هرگونه شناخت علمی یا تأمل نظری، همواره از پیش درگیر و پرتاب‌شده در یک جهان است.

مستندسازی

این مبحث در شاهکار هایدگر، کتاب هستی و زمان (Sein und Zeit - ۱۹۲۷)، بخش اول، فصل دوم (تحت عنوان: در-جهان-بودن به طور کلی به مثابه ساختار بنیادین دازاین) به تفصیل صورت‌بندی شده است.

شرح شخصیت‌ها

مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶)، از بزرگ‌ترین فلاسفه قرن بیستم است. او در فاز اول فکری خود (متقدم) با کتاب هستی و زمان تلاش کرد تا معنای هستی را از طریق تحلیل موجودی که پرسش از هستی برای او مطرح است (یعنی دازاین) روشن سازد. این تحلیل اگزیستانسیال پایه‌گذار تحولی عظیم در پدیدارشناسی و الهام‌بخش مکتب اگزیستانسیالیسم شد.

تبارشناسی مسئله

مفهوم «در-جهان-بودن» پاسخی انتقادی به ثنویت (دوگانه‌انگاری) سوژه-ابژه در فلسفه دکارت و حتی نقد بقایای این ثنویت در پدیدارشناسی استادش، ادmond هوسرل، است. هایدگر با این مفهوم، سوژکتیویسم مدرن را که انسان را جوهری اندیشنده و بی‌ارتباط با جهان مادی می‌پنداشت، به چالش کشید.

- **دازاین (Dasein):** واژه‌ای آلمانی مرکب از Da (آنجا/اینجا) و sein (بودن). ترجمه تحت‌اللفظی آن «آنجا-بودن» است، اما در فارسی معمولاً ترجمه نمی‌شود یا به «وجود انسانی» برگردانده می‌شود.
- **در-جهان-بودن (In-der-Welt-sein):** هایدگر از خط تیره برای نشان دادن یکپارچگی این ساختار استفاده می‌کند تا تأکید کند که این واژه یک مفهوم بسیط است، نه ترکیبی از سه مفهوم جداگانه (در، جهان، بودن).

واژه‌شناسی

پدیدارشناسی هرمنوتیک (Hermeneutic Phenomenology): برخلاف پدیدارشناسی استعلایی هوسرل که به دنبال شهود ماهیات در آگاهی محض بود، مکتب هایدگر معتقد است که پدیدارشناسی باید بر تفسیر (هرمنوتیک) نحوه وجود واقعی و روزمره انسان در جهان استوار باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (بودن با دیگران):** واژه Mitsein به معنای هم‌بودگی است. دازاین همواره در جهانی است که دیگران نیز در آن هستند، اما این ویژگی خود متفرع بر خصلت کلی‌تر «در-جهان-بودن» است.
- **گزینه ۲ (پروا داشتن):** Sorge یا تیمار، تمامیت ساختاری هستی دازاین است. هرچند بسیار مهم است، اما خصلت پایه‌ای بسترساز همان در-جهان-بودن است.
- **گزینه ۳ (سقوط داشتن):** Verfallen به معنای غرق شدن روزمره دازاین در امور جهان و دور شدن از اصالت خود است. این یکی از شیوه‌های در-جهان-بودن است، نه بنیادی‌ترین خصلت آن.

نکات تکمیلی

مفهوم در-جهان-بودن هایدگر تأثیر شگرفی بر روان‌شناسی اگزیستانسیال، معماری پدیدارشناسانه و حتی علوم شناختی معاصر گذاشته است؛ چرا که نشان می‌دهد ذهن انسان یک موجودیت مجزا نیست، بلکه هویتی درهم‌تنیده با محیط زیست-جهان خود است.

کادرهای جمع‌بندی :

خصلت‌های دازاین (Existentials)	اصطلاح آلمانی	جایگاه هستی‌شناختی در اندیشه هایدگر
در-جهان-بودن	In-der-Welt-sein	ساختار بنیادین و اولیه (بستر تمام پدیدارها)
پروا (تیمار)	Sorge	تمامیت هستی دازاین
هم‌بودگی (بودن با دیگران)	Mitsein	بعد اجتماعی در-جهان-بودن
سقوط (افکندگی روزمره)	Verfallen	شیوه غیرأصیل در-جهان-بودن

راه حل تستی

هرگاه در سؤالات مربوط به هایدگر واژگانی چون «بنیادی‌ترین»، «اولین ساختار»، «پایه تحلیل اگزیستانسیال» یا «نقد سوژه دکارتی» مطرح شد، گزینه «در-جهان-بودن» پاسخ قطعی است. گزینه‌هایی نظیر «پروا» یا «سقوط»، زیرمجموعه‌ها یا برآیندی از این ساختار بنیادین هستند.

۲۴. گزینه ۱)

موضوع سوال:

موضوع این سؤال، دانش دایرةالمعارفی و تسلط بر کلیدواژه‌های بنیادین فیلسوفان معاصر (در هر دو سنت تحلیلی و قاره‌ای) است. طراح با کنار هم قرار دادن پنج مفهوم اساسی، توانایی داوطلب در تطبیق دقیق اصطلاحات اختصاصی با مبدعان یا مفسران اصلی آن‌ها را می‌سنجد.

پاسخ تشریحی:

انتخاب گزینه صحیح نیازمند بررسی تک‌تک این مفاهیم است:

- **ریزوم (Rhizome):** مفهوم محوری ژیل دلوز (و فلیکس گتاری) برای توصیف ساختارهای غیرسلسله‌مراتبی و متکثر که در تقابل با تفکر «درخت‌وار» (Arborescent) و ریشه‌دار قرار دارد.
- **استعاره (Metaphor):** پل ریکور، فیلسوف و هرمنوتیست فرانسوی، با طرح نظریه «استعاره زنده»، استعاره را نه صرفاً یک آرایه ادبی، بلکه نیرویی زایا برای خلق معنا و شناخت واقعیت معرفی کرد.
- **ذهن شیشه‌ای (Glassy Essence):** ریچارد رورتی این استعاره (که برگرفته از شکسپیر است) را برای نقد سنت معرفت‌شناسی مدرن (که ذهن را آینه‌ای بازتاب‌دهنده طبیعت می‌دانست) به کار برد.
- **دازاین (Dasein):** کلیدواژه بنیادین مارتین هایدگر برای توصیف نحوه هستی انسان (موجودی که پرسش از هستی برای او مسئله است).
- **شبکه باورها (Web of Belief):** مفهوم مشهور ویلارد ون اورمن کواپن در معرفت‌شناسی که بر اساس آن، باورهای ما نه به صورت گزاره‌های منفرد، بلکه به شکل یک شبکه درهم‌تنیده با تجربیات مواجه می‌شوند (کل‌گرایی).

مستندسازی

- **دلوز:** کتاب هزار فلات (Mille Plateaux).
- **ریکور:** کتاب استعاره زنده (La Métaphore vive).
- **رورتی:** کتاب فلسفه و آینه طبیعت (Philosophy and the Mirror of Nature).
- **هایدگر:** کتاب هستی و زمان (Sein und Zeit).
- **کواپن:** کتاب شبکه باورها (The Web of Belief - مشترک با جوزف اولیان) و مقاله «دو جزم تجربه‌گرایی».



شرح شخصیت‌ها

این پنج فیلسوف نمایانگر جریان‌های اصلی قرن بیستم هستند: دلوژ (پساساختارگرایی متمرکز بر تفاوت)، ریکور (پدیدارشناسی هرمنوتیک متمرکز بر متن و زبان)، رورتی (پراگماتیسم نو و عبور از معرفت‌شناسی بازنمایی‌گرا)، هایدگر (هستی‌شناسی بنیادین)، و کواین (فلسفه تحلیلی و کل‌گرایی معنایی). ویژگی مشترک اکثر آن‌ها (جز هایدگر متقدم) چرخش زبانی و نقد بنیادگرایی است.

تبارشناسی مسئله

هر یک از این مفاهیم، ضربه‌ای بر پیکره سنت فلسفی پیشین است. «ریزوم» دلوژ پاسخی به نظام‌سازی‌های سلسله‌مراتبی هگل و دکارت است؛ «ذهن شیشه‌ای» رورتی نقد مستقیم سوژه استعلایی کانت و دوگانه‌انگاری دکارت است؛ و «شبکه باورها» کواین نقض رویکرد فروکاست‌گرایانه (Reductionism) در پوزیتیویسم منطقی است.

واژه شناسی

کل‌گرایی (Holism): مکتبی در فلسفه علم و زبان که کواین نماینده برجسته آن است. برخلاف اتمیسم که هر گزاره را مستقلاً قابل ارزیابی می‌داند، کل‌گرایی معتقد است واحد معنا و آزمون‌پذیری، کل علم یا شبکه باورهای ماست و هیچ گزاره‌ای به تنهایی با دادگاه تجربه روبرو نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۲:** در این گزینه، «استعاره» به فوکو نسبت داده شده است. در حالی که فوکو نظریه‌پرداز گفتمان و قدرت است و ریکور فیلسوف اصلی نظریه «استعاره» محسوب می‌شود.
- **گزینه ۳ و ۴:** ترتیب اصطلاحات با متفکران هم‌خوانی ندارد. «ریزوم» انحصاراً متعلق به دلوژ است، لذا هر گزینه‌ای که با نامی غیر از دلوژ آغاز شود (مانند ریکور در گزینه ۳ یا کواین در گزینه ۴) از اساس باطل است.

نکات تکمیلی

نکته جذاب در این مفاهیم، هم‌گرایی نهایی سنت‌های تحلیلی و قاره‌ای در اواخر قرن بیستم است. همان‌طور که رورتی (فیلسوف تحلیلی-پراگماتیست) به نقد آینه بودن ذهن می‌پردازد، دلوژ (فیلسوف قاره‌ای) نیز بازنمایی (Representation) را نقد کرده و تفکر مبتنی بر تفاوت و ریزوم را جایگزین آن می‌سازد.

کادرهای جمع‌بندی :

کلیدواژه فلسفی	فیلسوف طراح / مفسر	خاستگاه نظری / مکتب	کارکرد فلسفی در اندیشه متفکر
ریزوم	ژیل دلوژ	پساساختارگرایی	نفی سلسله‌مراتب و مرکزیت در هستی و تفکر
استعاره	پل ریکور	هرمنوتیک	زایش معنای جدید در تقاطع زبان و واقعیت
ذهن شیشه‌ای	ریچارد رورتی	نئو-پراگماتیسم	نقد معرفت‌شناسی بازنمایی‌گرا (آینه طبیعت)
دازاین	مارتین هایدگر	پدیدارشناسی اگزیستانسیال	تبیین نحوه هستی منحصر به فرد انسان در جهان
شبکه باورها	ویلارد کواین	فلسفه تحلیلی (کل‌گرایی)	تبیین نحوه مواجهه یکپارچه سیستم باور با تجربه

۲۵. گزینه ۴

موضوع سوال:

موضوع این سؤال، روش‌شناسی پدیدارشناسانه (Phenomenological Method) در اندیشه ادmond هوسرل و مراحل مختلف «تقلیل» (Reduction) برای رسیدن به ذات پدیدارهاست. سؤال مشخصاً به دنبال مرحله‌ای است که در آن ویژگی‌های تجربی، تصادفی و زمانی یک ایزه نادیده گرفته می‌شود تا خصلت ضروری و ماهوی آن آشکار گردد.

پاسخ تشریحی:

در پدیدارشناسی هوسرل، هدف رسیدن به «خود اشیا»، مستلزم گذر از ظواهر متغیر و رسیدن به ساختارهای ضروری است. این کار از طریق «تقلیل ایدئیک» (تقلیل ماهوی) انجام می‌شود. در این مرحله، پدیدارشناس تمام ویژگی‌های امکانی، واقع‌بودگی (Facticity)، فعلیت تجربی و بستر تاریخی ایزه را کنار می‌گذارد. روش اجرای این تقلیل، «تغییرات آزاد در تخیل» (Free



(variation in imagination) است؛ به این معنا که ویژگی‌های مختلف یک شیء را در ذهن تغییر می‌دهیم تا ببینیم با حذف کدام ویژگی، شیء دیگر آن شیء خاص نخواهد بود. آن هسته غیرقابل حذفی که پس از کنار گذاشتن فعلیت و تاریخ امکانی شیء باقی می‌ماند، «ذات» (Eidos) نام دارد.

مستندسازی

هوسرل این تمایز بنیادین میان «امر واقع» (Tatsache) و «ذات» (Wesen) و روش اجرای تقلیل ایدتیک را در بخش اول از کتاب مهم خود، *ایده‌هایی برای یک پدیدارشناسی محض و فلسفه پدیدارشناختی* (Ideas I - ۱۹۱۳)، به تفصیل و با دقت ریاضی‌وار شرح داده است.

شرح شخصیت‌ها

ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸)، ریاضیدان و فیلسوف آلمانی و بنیان‌گذار مکتب پدیدارشناسی است. او تلاش کرد فلسفه را به عنوان یک «علم متقن» (Rigorous Science) پایه‌گذاری کند. از این رو، نیازمند روشی بود که شناخت را از وابستگی به روان‌شناسی تجربی و پیش‌فرض‌های علوم طبیعی رها سازد؛ دستاوردی که از طریق مراحل مختلف تقلیل محقق شد.

تبارشناسی مسئله

طرح «تقلیل ایدتیک» پاسخی مستقیم به دو جریان غالب در اواخر قرن نوزدهم بود: نخست «روان‌شناسی‌گرایی» (Psychologism) که قوانین منطق و شناخت را به فرایندهای تجربی ذهن تقلیل می‌داد، و دوم «اثبات‌گرایی» (Positivism) که شناخت را محدود به داده‌های تاریخی و حسی می‌کرد. هوسرل با این تقلیل نشان داد که ذات ایزدها، امری مستقل از رویدادهای روان‌شناختی و تاریخی است.

- **تقلیل ایدتیک (Eidetic Reduction):** برگرفته از واژه یونانی *Eidos* به معنای ذات، صورت یا مثال (مشابه مُثُل افلاطونی، اما با کارکردی کاملاً متفاوت). در فارسی به «تقلیل ماهوی» یا «تأویل ذات‌گرایانه» نیز ترجمه شده است.
- **اپوخه (Epoché):** واژه‌ای یونانی به معنای توقف، تعلیق یا خودداری از قضاوت.

هشدار مفهومی: بزرگ‌ترین تله این مبحث، خلط میان «اپوخه» و «تقلیل ایدتیک» است. «اپوخه» (تقلیل پدیدارشناختی)، تعلیق **باور به وجود مستقل جهان خارج** (نگرش طبیعی) است؛ اما «تقلیل ایدتیک»، کنار گذاشتن ویژگی‌های تاریخی و فعلیت تجربی شیء برای رسیدن به ذات آن است. اولی مربوط به موضع ما نسبت به هستی است، و دومی مربوط به محتوای درونی پدیدار.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (اپوخه):** همان‌طور که بیان شد، اپوخه یا «در پرانتز نهادن»، به معنای کنار گذاشتن اعتقاد جزم‌اندیشانه و طبیعی انسان به وجود واقعی و مستقل جهان پیرامون است تا پدیدارها دقیقاً همان‌گونه که بر آگاهی پدیدار می‌شوند، بررسی شوند. این گزینه درباره «وجود» است، نه «فعلیت تاریخی اشیا».
- **گزینه ۲ (تقویم):** کانستیتوسیون (Constitution) فرآیندی است که طی آن، ایزدها در بستر آگاهی استعلایی سوژه «شکل می‌گیرند» یا معنا می‌یابند. تقویم، محصول و نتیجه‌ی فعالیت آگاهی است، نه روش کنار گذاشتن امور.
- **گزینه ۳ (قصیدیت):** حیث التفاتی (Intentionality) ویژگی ذاتی آگاهی است، به این معنا که هر آگاهی، همواره «آگاهی از چیزی» است و ذهن همواره به سوی ایزدهای معطوف است.

نکات تکمیلی

روش تقلیل هوسرل انتقادات زیادی را در میان شاگردانش برانگیخت. برای مثال، هایدگر و مرلوپونتی معتقد بودند که ما هرگز نمی‌توانیم پیوندهای تاریخی، بدنی و در-جهان-بودن خود را به طور کامل «در پرانتز» بگذاریم یا کنار بگذاریم؛ چرا که هستی انسان ماهیتاً درگیر همین تاریخ‌مندی و فعلیت است.



کادرهای جمع‌بندی :

اصطلاح	هدف از اجرای مرحله	آنچه کنار گذاشته (تعلیق) می‌شود	نتیجه به‌دست آمده
اپوخه (Epoche)	خروج از نگرش طبیعی و خام	باور به وجود عینی و مستقل جهان خارج	پدیدار محض (پدیده آن‌گونه که در ذهن است)
تقلیل ایدتیک	گذر از امر جزئی به امر کلی	فعلیت، تصادفات و تاریخ‌مندی شیء	ذات یا ماهیت ضروری (Eidos)
تقلیل استعلایی	یافتن خاستگاه معنادهی	من تجربی، روان‌شناختی و فردی	من استعلایی (Transcendental Ego)

راه حل تستی

در رویارویی با مفاهیم هوسرل، به این کلیدواژه‌ها دقت کنید:

۱. اگر در صورت سؤال عبارات «تعلیق باور»، «در پرائتز نهادن» یا «نگرش طبیعی» آمد -> پاسخ قطعی **اپوخه** است.
۲. اگر عبارات «ذات»، «تخیل»، «ویژگی‌های تصادفی» یا «کنار گذاشتن تاریخ و فعلیت» آمد -> پاسخ قطعی **تقلیل ایدتیک** است. طراح در سؤال ۳۵ دقیقاً از همین تفاوت ظریف برای طرح تست استفاده کرده است.

گزینه ۱) ۲۶.

موضوع سوال:

موضوع این سؤال، واکاوی یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین دیالوگ‌های دوره متأخر افلاطون، یعنی رساله پارمنیدس، و ارزیابی انتقادی خود افلاطون بر «نظریه مُثُل» (Theory of Forms) است. طراح سؤال به دنبال گزاره‌ای است که با نتیجه‌گیری نهایی این رساله در تناقض باشد.

پاسخ تشریحی:

رساله پارمنیدس نقطه عطفی در فلسفه افلاطون است که در آن، او بی‌رحمانه‌ترین انتقادات را علیه نظریه مُثُل خود (که در رسالاتی چون فایدون و جمهوری تثبیت شده بود) مطرح می‌کند. در این رساله، پارمنیدس پیر (فیلسوف الیایی) ایرادات منطقی و هستی‌شناختی سنگینی بر سقراط جوان وارد می‌آورد. با این حال، نتیجه‌گیری این رساله ابداً «کنار گذاشتن نظریه مُثُل» نیست. افلاطون از زبان پارمنیدس تصریح می‌کند که با وجود تمام این دشواری‌های لاینحل، اگر ایده یا مثال ثابت و پایداری برای اشیا قائل نباشیم، توانایی تفکر و دیالکتیک نابود خواهد شد و انسان توانایی استدلال و سخن گفتن را از دست می‌دهد. بنابراین، گزینه ۱ (کنار گذاشتن نظریه مُثُل) کاملاً با آموزه نهایی این رساله ناسازگار است.

مستندسازی

این مباحث در نیمه نخست رساله پارمنیدس (حدود فقرات a۱۳۰ تا c۱۳۵) مطرح می‌شود. افلاطون در فقره c۱۳۵-b صراحتاً از زبان پارمنیدس اعلام می‌کند که اگر کسی به دلیل این مشکلات منکر وجود مُثُل شود، «نیروی دیالکتیک (گفتگو و پژوهش) را در خود نابود کرده است».

شرح شخصیت‌ها

افلاطون (۴۲۸-۳۴۸ ق.م) در فاز میانی تفکر خود، مُثُل را حقایقی متعالی و جدا از جهان محسوس می‌داند. در فاز متأخر (رسالاتی چون پارمنیدس، سوفیست و تیمائوس)، او متوجه چالش‌های منطقی این «جدایی» (Chorismos) شد. رساله پارمنیدس یک تمرین دیالکتیکی است تا نشان دهد نظریه مُثُل نیازمند اصلاح و تدقیق منطقی است، نه ابطال.

تبارشناسی مسئله

انتقاداتی که افلاطون در این رساله به خودش وارد کرد (نظیر «برهان انسان سوم»)، بعدها به مهم‌ترین سلاح شاگردش، ارسطو، برای رد وجود استعلایی مُثُل تبدیل شد. با این تفاوت که ارسطو این نظریه را به طور کامل کنار گذاشت، اما افلاطون آن را برای حفظ امکان «معرفت» ضروری می‌دانست.

- نظریه مُثُل (Theory of Ideas / Forms): مُثُل جمع مثال (ایده / Eidos) است.

- بهره‌مندی / مشارکت (Methexis / Participation): رابطه میان اشیای محسوس و مُثُل که پارمنیدس آن را به چالش می‌کشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: این گزاره کاملاً با رساله سازگار است. پارمنیدس نشان می‌دهد که توضیح نحوه «مشارکت» (اینکه آیا کلِ مثال در شیء حلول می‌کند یا جزئی از آن) بسیار دشوار و پر از تناقض است.
- گزینه ۳: این گزاره نیز صادق و سازگار است. در رساله، سقراط جوان برای فرار از مشکلات، پیشنهاد می‌دهد که شاید مُثُل صرفاً «مفاهیمی در ذهن» باشند (ایده‌آلیسم مفهومی). اما پارمنیدس بلافاصله پاسخ می‌دهد که اندیشه باید معطوف به موجودی عینی و واقعی باشد؛ پس مُثُل نمی‌توانند صرفاً ذهنی باشند.
- گزینه ۴: این دقیقاً همان نتیجه‌گیری نهایی پارمنیدس برای حفظ نظریه مُثُل در برابر شکاکیت مطلق است که در پاراگراف‌های قبلی شرح داده شد.

نکات تکمیلی

برهان «انسان سوم» (Third Man Argument) یکی از مشهورترین انتقادات این رساله است. خلاصه برهان این است: اگر انسان‌های محسوس به این دلیل انسان‌اند که شبیه «مثال انسان» هستند، پس برای تبیین شباهت میان انسان‌های محسوس و مثال انسان، به یک مثالِ والاتر (انسان سوم) نیاز داریم و این تسلسل تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت.

کادرهای جمع‌بندی:

چالش‌های پارمنیدس در برابر نظریه مُثُل	پاسخ یا نتیجه‌گیری دیالکتیکی افلاطون در رساله
مشکل بهره‌مندی (کل یا جزء)	اذعان به دشواری شدید در تبیین رابطه محسوس و معقول
آیا مُثُل صرفاً ذهنی‌اند؟ (Conceptualism)	رد قاطع این ایده؛ مُثُل موجودیت هستی‌شناختی و عینی دارند
برهان انسان سوم (تسلسل)	نشان دادن پیچیدگی‌های منطقی مفهوم «شبیه‌بودن»
نتیجه‌گیری نهایی	حفظ نظریه مُثُل به عنوان پیش‌شرط امکان پژوهش و زبان

راه حل تستی

یک اصل طلایی در تاریخ فلسفه باستان: افلاطون هرگز نظریه مُثُل را کنار نگذاشت. او در رسالات متأخر آن را اصلاح کرد. بنابراین، در هر تستی که ادعا شود افلاطون (در هر رساله‌ای) مُثُل را رها کرده یا کنار گذاشته است، آن گزاره قطعاً از نظر تاریخی و فلسفی «غلط و ناسازگار» است. با دانستن این قاعده کلی، در کمتر از ۵ ثانیه می‌توان گزینه ۱ را به عنوان مورد ناسازگار انتخاب کرد.

۲۷. گزینه ۲)

موضوع سوال:

موضوع این سؤال به مکتب پوزیتیویسم منطقی (حلقه وین) و یکی از بنیادی‌ترین پروژه‌های این مکتب یعنی «وحدت علم» (Unity of Science) و «فیزیکالیسم» اختصاص دارد. طراح سؤال به دنبال یافتن فیلسوفی است که رادیکال‌ترین قرائت را از این پروژه ارائه داد و خواهان انحلال تمام شاخه‌های معرفتی در فیزیک بود.

پاسخ تشریحی:

اتو نوربات (Otto Neurath)، از اعضای برجسته جناح چپ حلقه وین، معمار اصلی نظریه «فیزیکالیسم» و نهضت «علم یگانه» بود. او معتقد بود که هیچ قلمرو مستقلی برای فلسفه وجود ندارد. از دیدگاه او، تمام گزاره‌های معنادار (اعم از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و خودِ فلسفه) باید قابلیت ترجمه به «زبان فیزیکالیستی» (یعنی گزاره‌هایی درباره رویدادهای مکانی-زمانی و اشیای مادی) را داشته باشند. در این رویکرد، فلسفه از یک رشته مستقل در جستجوی حقایق استعلایی، به یک ابزار تحلیلی تقلیل می‌یابد که وظیفه‌اش صرفاً ایضاح مفاهیم در بستر یک «علم فیزیکالیستی یگانه» است.



مستندسازی

نویرات این ایده را به طور مشخص در مقاله مشهور خود با عنوان «فیزیکیالیسم» (Physicalism - ۱۹۳۱) و همچنین سرپرستی پروژه عظیم *دایرةالمعارف بین‌المللی علم یگانه* (International Encyclopedia of Unified Science) صورت‌بندی کرد.

شرح شخصیت‌ها

اتو نویرات (۱۸۸۲-۱۹۴۵) جامعه‌شناس، اقتصاددان و فیلسوف اتریشی بود. او برخلاف برخی اعضای محافظه‌کارتر حلقه وین، رویکردی به شدت ضد متافیزیکی و در عین حال پراگماتیستی داشت. او همچنین مبدع استعاره مشهور «کشتی نویرات» است که بر اساس آن، ما همچون ملوانانی هستیم که باید کشتی خود (سیستم معرفتی‌مان) را در پهنه دریای آزاد بازسازی کنیم، بدون آنکه بتوانیم آن را در لنگرگاهی (بنیادهای یقینی) از نو بسازیم (نقد بنیادگرایی).

تبارشناسی مسئله

پروژه علم یگانه نویرات، واکنشی مستقیم به سنت فلسفی آلمانی و نوکانتی (به‌ویژه آرای ویلهلم دیلتای) بود. دیلتای معتقد به تفکیک بنیادین میان «علوم طبیعی» (Naturwissenschaften) و «علوم انسانی/روحي» (Geisteswissenschaften) بود. نویرات این ثنویت را کاملاً رد کرد و مدعی شد جامعه‌شناسی نیز چیزی جز «رفتارگرایی اجتماعی» در بستر فیزیکیالیسم نیست.

واژه شناسی

پوزیتیویسم منطقی (Logical Positivism): مکتبی برآمده از حلقه وین در دهه ۱۹۲۰ که معتقد بود تنها گزاره‌هایی از نظر شناختی معنادارند که یا تحلیلی باشند (مانند ریاضیات و منطق) و یا از طریق تجربه حسی قابل تحقیق (تأیید) باشند (اصل تحقیق‌پذیری). این مکتب گزاره‌های متافیزیکی، اخلاقی و الهیاتی را بی‌معنا (Nonsense) می‌دانست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (موريس شلیک):** بنیان‌گذار و رهبر معنوی حلقه وین بود. تمرکز او بیشتر بر معناشناسی و «اصل تحقیق‌پذیری» بود و طراح ایده رادیکال تقلیل فیزیکیالیستی همه علوم به شمار نمی‌آید.
- **گزینه ۲ (رودلف کارناب):** او در شاهکار اولیه خود، *ساختار منطقی جهان* (Aufbau)، به دنبال «پدیدارگرایی» (Phenomenalism) بود (تقلیل دانش به داده‌های حسی)، نه فیزیکیالیسم. هرچند بعدها به فیزیکیالیسم گرایید، اما نماد اصلی «علم یگانه» نویرات است.
- **گزینه ۴ (هانس هان):** ریاضیدان برجسته حلقه وین بود که تمرکزش عمدتاً بر ماهیت تحلیلی و همان‌گویانه (Tautological) ریاضیات و منطق قرار داشت و ارتباط مستقیمی با تز فیزیکیالیسم نداشت.

نکات تکمیلی

ایده «علم یگانه» و زبان مشترک فیزیکیالیستی، دهه‌ها بعد توسط فلاسفه پساپوزیتیویست نظیر کوآین، کوهن و فایرلند به شدت نقد شد. آن‌ها نشان دادند که علم مجموعه‌ای متکثر و قیاس‌ناپذیر است و تقلیل همه چیز به فیزیک، یک آرمان‌گرایی خام است.

کادرهای جمع‌بندی :

متفکر حلقه وین	کانون تمرکز فلسفی / کلیدواژه اختصاصی	موضع نسبت به مبانی شناخت
اتو نویرات	فیزیکیالیسم / علم یگانه / استعاره کشتی	ضدبنیادگرا / کل‌گرای اولیه
رودلف کارناب	پدیدارگرایی (متقدم) / زبان‌های صوری (تولرانس)	ساختارگرای منطقی
موريس شلیک	اصل تحقیق‌پذیری / معناشناسی	بنیادگرایی تجربی
هانس هان	منطق و ریاضیات به مثابه همان‌گویی	فرمالیسم ریاضی

راه حل تستی

در سؤالات مربوط به مکتب پوزیتیویسم منطقی، یک قانون تطبیق سریع وجود دارد:

واژگان «علم یگانه (Unified Science)»، «فیزیکیالیسم» و «کشتی» = اتو نویرات.

واژگان «تولرانس (تسامح منطقی)» و «نحو منطقی زبان» = کارناپ.

بنابراین، با دیدن عبارات «فیزیکیالیستی یگانه» در صورت سؤال ۳۷، مستقیماً و در کسری از ثانیه گزینه نوبرات (۲) را انتخاب کنید. **گزینه ۲) ۲۸.**

موضوع سوال:

موضوع این سؤال، معرفت‌شناسی (Epistemology) و متافیزیک در مکتب تجربه‌گرایی، با تمرکز بر آرای جان لاک پیرامون مفاهیمی چون «جوهر»، «نفس» و «خدا» است. طراح سؤال به دنبال شناسایی گزاره‌ای است که با محدودیت‌های معرفت‌شناختی وضع‌شده توسط لاک در تضاد باشد.

پاسخ تشریحی:

در دستگاه فلسفی جان لاک، عقل انسان محدودیت‌های بنیادینی دارد و نمی‌تواند به ذات حقیقی بسیاری از امور دست یابد. برخلاف دکارت که تجرد (غیرمادی بودن) نفس و بقای آن را از طریق استدلالات دقیق عقلی (مانند تمایز جوهر اندیشنده و جوهر ممتد) اثبات می‌کرد، لاک صراحتاً اعلام می‌کند که ما توانایی اثبات قطعی و عقلی تجرد و جاودانگی نفس را نداریم. از دیدگاه او، اینکه آیا نفس یک جوهر غیرمادی است یا خدای متعال قدرت اندیشیدن را به یک جوهر مادی اعطا کرده است، از طریق عقل طبیعی قابل اثبات یقینی نیست و ما در مسئله بقای نفس، صرفاً باید به «وحي» و «ایمان» تکیه کنیم. بنابراین، گزاره دوم قویاً با اندیشه لاک در تضاد است.

مستندسازی

لاک این مبحث را در شاهکار خود، رساله‌ای درباره فهم انسانی (An Essay Concerning Human Understanding)، کتاب چهارم، فصل سوم (درباره وسعت شناخت انسان) به تفصیل مورد بحث قرار داده و ایده «ماده اندیشنده» (Thinking Matter) را به عنوان یک احتمال منطقی مطرح کرده است.

شرح شخصیت‌ها

جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴)، پدر تجربه‌گرایی بریتانیایی (British Empiricism) محسوب می‌شود. پروژه اصلی او در فلسفه، تعیین مرزها و محدودیت‌های فاهمه انسان بود. او معتقد بود ذهن در بدو تولد لوح سپید (Tabula Rasa) است و تمام مصالح شناخت (ایده‌ها/تصورات) منحصرأ از دو مجرای «احساس» (Sensation) و «تأمل» (Reflection) تأمین می‌شوند.

تبارشناسی مسئله

موضع لاک درباره جوهر و نفس، واکنشی مستقیم به جزم‌اندیشی مکتب خردگرایی (Rationalism) دکارتی بود. دکارت مدعی بود ذات نفس را به روشنی و تمایز می‌شناسد. لاک با پایین کشیدن سطح ادعاهای عقلی، مسیر را برای شکاکیت رادیکال‌تر دیوید هیوم (که وجود جوهر نفسانی را کلاً منکر شد) هموار کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱:** این گزاره کاملاً متعلق به لاک است. فرضیه مشهور «ماده اندیشنده» او تصریح می‌کند که از نظر عقلی محال نیست که خداوند به ماده توانایی تفکر داده باشد، لذا عقل نمی‌تواند حکم قطعی دهد که فقط موجودات غیرمادی می‌اندیشند.
- **گزینه ۳:** این گزاره نیز موضع دقیق لاک است. ما تصورات ساده‌ای از ادراک، علم و قدرت را از طریق «تأمل/مراقبه» در درون خود می‌یابیم و با بسط و ترکیب آن‌ها تا بی‌نهایت، «تصور مرکب» خود از خداوند را می‌سازیم.
- **گزینه ۴:** نظریه مشهور لاک درباره جوهر است. ما هرگز خود جوهر را ادراک نمی‌کنیم، بلکه مجموعه‌ای از کیفیات (رنگ، وزن، شکل) را درک کرده و منطقاً «استنباط» می‌کنیم که باید بستر یا موضوعی زیرین (Substratum) برای حفظ این کیفیات وجود داشته باشد.

نکات تکمیلی

دیدگاه لاک درباره جوهر ناشناخته، با انتقاد شدید جرج بارکلی مواجه شد. بارکلی استدلال کرد که اگر جوهر مادی چیزی است که هرگز ادراک نمی‌شود و فقط یک «نمی‌دانم چیست» است، پس دلیلی برای باور به وجود آن نداریم. این نقد، زمینه‌ساز ایده‌آلیسم بارکلی شد.



کادرهای جمع‌بندی :

مبحث متافیزیکی	دیدگاه دکارت (خردگرایی)	دیدگاه جان لاک (تجربه‌گرایی)
تجرد و بقای نفس	با برهان دقیق عقلی اثبات پذیر است.	عقلاً اثبات پذیر نیست (حوزه ایمان و وحی است).
شناخت جوهر	عقل ذات جوهر (اندیشه / امتداد) را روشن می‌شناسد.	جوهر امری مبهم و صرفاً تکیه‌گاه فرضی اعراض است.
منشأ تصور خدا	ایده‌ای فطری (Innate) است.	تصور مرکب، برآمده از بسط ایده‌های حسی و تأملی است.

راه حل تستی

در رویارویی با فلاسفه مکتب تجربه‌گرایی (بیکن، لاک، بارکلی، هیوم)، همواره به یاد داشته باشید که آن‌ها توانمندی عقل پیشینی (A priori) را برای اثبات قطعی مفاهیم متافیزیکی محدود یا منکر می‌کنند. هر گزینه‌ای که ادعای «اثبات دقیق عقلی در امور مجرد» را به یک فیلسوف تجربه‌گرا نسبت دهد، به احتمال ۹۹ درصد همان گزینه «غلط و ناسازگار» (و در نتیجه پاسخ صحیح سؤالات منفی) است.

۲۹. گزینه ۴)

پاسخ تشریحی

این سؤال به یکی از ظریف‌ترین مباحث در معرفت‌شناسی جرج بارکلی و سیر تطور اندیشه او اشاره دارد. رساله «نظریه جدید رؤیت» یک اثر استراتژیک در فلسفه بارکلی است. او در این رساله به دنبال اثبات این امر است که ما بُعد، فاصله و مکان را مستقیماً از طریق بینایی درک نمی‌کنیم، بلکه تصورات بصری (نور و رنگ) صرفاً نشانه‌ها و علائمی (زبان طبیعت) هستند که تصورات ملموس (سفتی، شکل و امتداد) را به ذهن متبادر می‌کنند. در این اثر خاص، بارکلی به عنوان یک تاکتیک موقت برای آماده‌سازی ذهن مخاطب، می‌پذیرد که تصورات حس لامسه بازنمایی‌کننده (Representational) واقعیت خارجی و فضایی هستند، اما قاطعانه رد می‌کند که تصورات بینایی چنین خصلت بازنمایی‌ای داشته باشند.

مستندسازی

خاستگاه نظری این پرسش، کتاب رساله‌ای در باب نظریه جدید رؤیت (An Essay Towards a New Theory of Vision) منتشر شده در سال ۱۷۰۹ میلادی است؛ اثری که دقیقاً یک سال پیش از شاهکار اصلی او، رساله‌ای در باب اصول معرفت بشری (۱۷۱۰)، به رشته تحریر درآمد.

شرح شخصیت‌ها

در بررسی اندیشه جرج بارکلی (۱۶۸۵-۱۷۵۳)، تفکیک فازهای فکری او بسیار حیاتی است. در «فاز اول» (رساله رؤیت)، او یک ایده‌آلیسم و غیرمادی‌گرایی (Immaterialism) نسبی را ارائه می‌دهد که در آن تنها متعلقات حس بینایی، ذهنی و درونی فرض می‌شوند، در حالی که متعلقات لامسه موقتاً بیرونی و عینی در نظر گرفته می‌شوند. اما در «فاز دوم» (اصول معرفت بشری)، او این سپر دفاعی موقت را کنار گذاشته و اعلام می‌کند که تصورات لامسه نیز مانند بینایی کاملاً ذهنی‌اند و هیچ ایده‌ای بازنمای ماده خارجی نیست (فرمول معروف: وجود مساوی است با درک شدن / Esse est percipi).

تبارشناسی و شبکه روابط فلسفی

مسئله مورد بحث، پاسخی مستقیم به «مسئله مولینو» (Molyneux's Problem) است که در مکاتبات میان ویلیام مولینو و جان لاک مطرح شده بود. پرسش این بود که آیا یک نابینای مادرزاد که شکل مکعب و کره را با لامسه می‌شناسد، پس از بینا شدن می‌تواند تنها با نگاه کردن، آن‌ها را از هم تشخیص دهد؟ بارکلی در هم‌صدایی با لاک پاسخ منفی می‌دهد و از این مسئله استفاده می‌کند تا نشان دهد هیچ پیوند ضروری و شباهت بازنمایی‌ای میان تصورات بینایی و لامسه وجود ندارد.

واژه‌شناسی

- **بازنمودگرایی (Representationalism):** رویکردی معرفت‌شناختی (منتسب به دکارت و لاک) که معتقد است تصورات (Ideas) در ذهن ما، نماینده و تصویر کپی‌شده‌ای از اشیای مادی در جهان خارج هستند.
- **ایده‌آلیسم / غیرمادی‌گرایی (Immaterialism):** مکتبی که بارکلی مؤسس آن در سنت تجربه‌گرایی بریتانیایی است و منکر وجود جوهر مادی مستقل از ذهن درک‌کننده می‌باشد.

تفکیک ظرایف مفهومی (هشدار تله‌های طراح)

تفاوت «نشانه» (Sign) و «بازنما» (Representation): طراح دقیقاً روی این مرز مفهومی دست گذاشته است. از نظر بارکلی متقدم در رساله رؤیت، تصورات بینایی صرفاً «نشانه» هستند (مانند کلمات در یک زبان که هیچ شباهت ذاتی به معنای خود ندارند)، در حالی که تصورات لامسه موقتاً به عنوان «بازنما» (تصاویر مشابه با واقعیت خارجی) پذیرفته می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **گزینه ۱ (بینایی):** تله اصلی طراح. از آنجا که نام رساله درباره «رؤیت» است، داوطلب ناآگاه ممکن است تصور کند بینایی در این نظریه نقش بازنمایی دارد؛ در حالی که تمام هدف رساله، نفی خصلت بازنمایانه بینایی و تقلیل آن به یک نظام نشانه‌شناختی محض است.
- **گزینه‌های ۲ و ۳ (شنوایی و ذائقه):** این حواس در بحث ادراک فضایی، فاصله و امتداد (که دغدغه اصلی رساله رؤیت است) نقش محوری و تأسیسی ندارند و به عنوان گزینه‌های پرکننده مطرح شده‌اند.

افق‌های تکمیلی

آگاهی از رویکرد غایت‌شناختی بارکلی در این زمینه راهگشاست. او معتقد بود خداوند زبان بینایی را خلق کرده است تا ما پیش از برخورد فیزیکی (لامسه) با اشیاء، بتوانیم از طریق نشانه‌های بصری، فواصل و خطرات را پیش‌بینی کنیم و بقای خود را تضمین نماییم.

جدول مقایسه‌ای: تقابل حواس در رساله نظریه جدید رؤیت

ویژگی / حس	تصورات بینایی (نور و رنگ)	تصورات لامسه (امتداد، شکل، مقاومت)
جایگاه هستی‌شناختی (در رساله ۱۷۰۹)	کاملاً ذهنی و درونی (Mind-dependent)	موقتاً بیرونی و مستقل (Mind-independent)
نقش معرفت‌شناختی	نشانه و علامت (Sign)	بازنمای واقعیت (Representation)
ادراک فضا و فاصله	دوبعدی و فاقد درک مستقیم از عمق	سه‌بعدی و درک‌کننده مستقیم فاصله

راه حل تستی

در رویارویی با سؤالاتی که به «رساله رؤیت» بارکلی اشاره دارند، یک فرمول ذهنی سریع را به خاطر بسپارید: **رؤیت = نشانه (زبان) / لامسه = بازنما (واقعیت مادی)**. وجود کلمه «رؤیت» در صورت سؤال، یک تله روان‌شناختی برای انتخاب گزینه «بینایی» است؛ با شناخت این تله، می‌توانید در کمتر از ده ثانیه با رد گزینه ۱، مستقیماً به سراغ گزینه لامسه بروید.

۳۰. گزینه ۳

پاسخ تشریحی

این پرسش مستقیماً به یکی از نقاط تلاقی مهم در سیر تطور تجربه‌گرایی بریتانیایی، یعنی مسئله «کلیات» و «تصورات مجرد»، می‌پردازد. دیوید هیوم در مقام یک تجربه‌گرایی رادیکال، در پی یافتن مبنایی حسی برای تمام ادراکات بشری بود. او با پذیرش و تحسین استدلال جرج بارکلی مبنی بر اینکه ذهن انسان توانایی ساختن «تصور کلی و مجرد» (مانند تصور یک مثلث که نه متساوی‌الاضلاع باشد، نه قائم‌الزاویه و نه هیچ شکل خاص دیگری، اما در عین حال همه آن‌ها باشد) را ندارد، این دستاورد بارکلی را ستایش می‌کند. هیوم معتقد است که هر تصویری در ذهن، ماهیتاً جزئی و دارای کیفیت و کمیت مشخص است و ما صرفاً با استفاده از یک «لفظ عام»، مجموعه‌ای از تصورات جزئی مشابه را تحت یک نام گرد می‌آوریم.



مستندسازی

هیوم این ستایش مشهور را در بخش هفتم از قسمت اول کتاب نخست شاهکار خود، یعنی *رساله‌ای درباره طبیعت آدمی* (A Treatise of Human Nature) با عنوان «در باب تصورات مجرد» بیان کرده است. او در آنجا صراحتاً اشاره می‌کند که نظر آن «فیلسوف بزرگ» (بارکلی) مبنی بر اینکه تمام تصورات عام در واقع همان تصورات جزئی هستند که به یک لفظ عام پیوند خورده‌اند، «یکی از بزرگترین و ارزشمندترین کشفیاتی است که در سال‌های اخیر در جمهوری ادبیات (جمهوری اندیشه) صورت گرفته است». بارکلی نیز پیش‌تر این نظریه را در مقدمه *رساله‌ای در باب اصول معرفت بشری* مطرح کرده بود.

شرح شخصیت‌ها

در مسئله تصورات مجرد، تقابل اصلی میان جان لاک از یک سو، و بارکلی و هیوم از سوی دیگر است. لاک معتقد بود که ذهن از طریق قوه «تجريد» (Abstraction) می‌تواند با کنار گذاشتن ویژگی‌های خاص و جزئی اشیاء، به یک تصور کلی دست یابد. بارکلی در حمله به لاک، این قوه تجريد را توهمی زبانی دانست. هیوم در فاز بعدی تجربه‌گرایی، نظریه بارکلی را وام گرفت، آن را از مبانی الهیاتی بارکلی جدا کرد و به عنوان سنگ‌بنای روان‌شناسی تداعی‌گرایانه (Associationism) خود به کار بست.

تبارشناسی و شبکه روابط فلسفی

مسئله تصورات مجرد ریشه در دعوای تاریخی «کلیات» (Universals) در قرون وسطی دارد. موضع بارکلی و به تبع آن هیوم، در امتداد سنت «نام‌گرایی» (Nominalism) قرار می‌گیرد که پیش‌تر توسط متفکرانی چون ویلیام اکام مطرح شده بود. این سنت در برابر «واقع‌گرایی» (Realism) افلاطونی و «مفهوم‌گرایی» (Conceptualism) لاک قرار دارد.

واژه‌شناسی

- **نومینالیسم (Nominalism / نام‌گرایی):** مکتبی فلسفی که وجود هرگونه هستی کلی (چه در خارج از ذهن و چه به عنوان یک مفهوم مجرد در داخل ذهن) را انکار می‌کند و معتقد است کلیات صرفاً «نام‌ها» یا «الفاظی» هستند که برای اشاره به دسته‌ای از اشیای جزئی به کار می‌روند. بارکلی و هیوم نمایندگان برجسته این رویکرد در دوران مدرن هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **گزینه ۱ (زبان بصری الهی):** این نظریه مختص به الهیات و نظریه رؤیت بارکلی است. هیوم به عنوان فیلسوفی که رویکردی طبیعت‌گرایانه و شکاکانه به الهیات دارد، هرگز یک تبیین الهی (وابسته به خداوند) را به عنوان یک کشف علمی و فلسفی ارزشمند نمی‌پذیرد و تحسین نمی‌کند.
- **گزینه ۲ (نفی وجود جسم):** همان‌طور که در بخش تفکیک مفاهیم اشاره شد، اگرچه هیوم جوهر مادی را نقد می‌کند، اما نفی مطلق و دگماتیک جهان فیزیکی توسط بارکلی را یک کشف بی‌بدیل نمی‌شمارد، بلکه آن را استدلالی می‌داند که «هیچ پاسخی ندارد، اما هیچ فناعتی هم نمی‌آورد».
- **گزینه ۴ (نسبیت میان وجود و ادراک):** این گزینه به فرمول معروف بارکلی (وجود همان ادراک شدن است) اشاره دارد. هیوم این اصل را به شکل متافیزیکی بارکلی نمی‌پذیرد، بلکه صرفاً از نظر معرفت‌شناختی به داده‌های حسی (تأثرات) محدود می‌ماند. نقل قول مستقیم هیوم منحصراً درباره نفی تصورات مجرد است.

افق‌های تکمیلی

هیوم برای تکمیل نظریه بارکلی، مکانیسم روان‌شناختی کاربرد الفاظ عام را توضیح می‌دهد. او معتقد است وقتی ما کلمه «انسان» را می‌شنویم، یک تصور جزئی (مثلاً تصویر یک مرد خاص) در ذهن ما حاضر می‌شود، اما به دلیل «عادت» (Custom)، ذهن آمادگی دارد تا در صورت لزوم، سایر تصورات جزئی مشابه (زنان، کودکان، افراد با نژادهای مختلف) را نیز فراخوانی کند. این کارکرد تداعی‌گرایانه ذهن، جایگزین ایده موهوم «تجريد» می‌شود.

راه حل تستی

در مواجهه با پرسش‌هایی که به رابطه «هیوم» و «بارکلی» می‌پردازند، کلیدواژه اصلی «نومینالیسم» (نفی کلیات) است. با توجه به طبیعت‌گرایی شکاکانه هیوم، هر گزینه‌ای که بار الهیاتی یا متافیزیکی سنگین داشته باشد (مانند زبان بصری الهی یا نفی مطلق ماده به نفع ذهن الهی)، به سرعت رد می‌شود. تطابق رویکرد روان‌شناختی هیوم تنها با بخش نفی تصورات مجرد بارکلی سازگار است، که این امر رسیدن به پاسخ صحیح (گزینه ۳) را در چند ثانیه تضمین می‌کند.

۳۱. گزینه ۳)

پاسخ تشریحی

این پرسش به یکی از بنیادین‌ترین تمایزات در معرفت‌شناسی امانوئل کانت و بخش «دیالکتیک استعلایی» می‌پردازد. کانت در فلسفه انتقادی خود میان دو قوه «فاهمه» (Understanding) و «عقل» (Reason) تمایز قائل می‌شود. او تأکید می‌کند که «مقولات» (مفاهیم فاهمه) نقش سازنده و بر سازنده ابژه‌های تجربه را دارند، اما «ایده‌ها» (مفاهیم استعلایی عقل محض شامل خدا، نفس و جهان) نمی‌توانند هیچ ابژه‌ای را در جهان خارج بسازند یا به شناخت عینی منجر شوند. با این حال، کانت این ایده‌ها را بی‌فایده نمی‌داند؛ بلکه معتقد است کاربرد صحیح آن‌ها، کاربرد «تنظیمی» (Regulative) است. بدین معنا که ایده‌های عقل، قواعدی هستند که به شناخت‌های پراکنده فاهمه جهت می‌دهند تا به بالاترین سطح از وحدت و انسجام سیستماتیک دست یابند.

مستندسازی

پاسخ این سؤال مستقیماً از کتاب نقد عقل محض (سنجش خرد ناب - Critique of Pure Reason)، بخش دوم از منطق استعلایی یعنی «دیالکتیک استعلایی» استخراج شده است. کانت در پیوست این بخش، فصلی با عنوان صریح «در باب کاربرد تنظیمی ایده‌های عقل محض» (On the Regulative Employment of the Ideas of Pure Reason) دارد که خاستگاه دقیق این تست است.

شرح شخصیت‌ها

امانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) در فاز «نقادی» (Critical Period) فلسفه خود، مرزهای شناخت انسان را ترسیم کرد. او در پی آن بود که نشان دهد بلندپروازی‌های عقل برای شناخت موجودات متافیزیکی (که فاقد شهود حسی‌اند) محکوم به شکست است. کانت در این دوره با محدود کردن شناخت به حیطه پدیدارها (فنومن‌ها)، عقل محض را از تخت پادشاهی شناخت متافیزیکی به زیر کشید، اما مقام آن را به عنوان «تنظیم‌کننده» غایی شناخت حفظ کرد.

تبارشناسی و شبکه روابط فلسفی

کانت مفهوم «کاربرد تنظیمی» را در پاسخ و نقد به رویکرد جزم‌اندیشانه خردگرایانی چون کریستیان ولف و لایبنیتس مطرح کرد. خردگرایان پیش از کانت، گمان می‌کردند با مفاهیم عقل می‌توانند جهان، نفس و خدا را به نحو عینی اثبات کنند (یعنی برای عقل کاربرد «تقویمی» قائل بودند). کانت با رد این ادعا، نشان داد که این رویکرد به تناقضات (آنتینومی‌ها) و مغالطات می‌انجامد و تنها کاربرد مجاز عقل، جهت‌دهی و تنظیم است.

واژه‌شناسی

- **کاربرد تقویمی (Constitutive Use):** کاربردی که در آن یک مفهوم، خودِ ابژه را می‌سازد و به آن قوام می‌بخشد. (مختص مقولات فاهمه).

- **کاربرد تنظیمی (Regulative Use):** کاربردی که چیزی را در تجربه خلق نمی‌کند، بلکه به عنوان یک قاعده یا ایده راهنما (Heuristic)، عملکرد قوای شناختی را هدایت و منظم می‌کند. (مختص ایده‌های عقل محض).

تفکیک ظرایف مفهومی (هشدار تله‌های طراح)

تقابل «مقولات فاهمه» و «ایده‌های عقل»: طراحان همواره از خلط این دو مفهوم در ذهن داوطلب استفاده می‌کنند. اگر سؤال درباره مفاهیم فاهمه (Categories of Understanding) بود، پاسخ قطعاً کاربرد تقویمی می‌بود. اما چون طراح صراحتاً بر مفاهیم استعلایی عقل محض (Ideas of Pure Reason) دست گذاشته است، کاربرد آن منحصر به تنظیمی است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **گزینه ۱ (استدلالی):** شناخت استدلالی (Discursive) در فلسفه کانت به شناختی اطلاق می‌شود که از طریق مفاهیم فاهمه و در پیوند با شهود حاصل می‌گردد، نه به غایت نهایی ایده‌های عقل.

- **گزینه ۲ (تجربی):** ایده‌های عقل محض (خدا، نفس، جهان به مثابه کل) ذاتاً فراسوی هرگونه تجربه ممکن هستند. بنابراین، مفاهیم استعلایی عقل هیچ‌گاه نمی‌توانند کاربرد تجربی و انضمامی داشته باشند و فاقد محتوای شهودی‌اند.





نمایه تحلیلی-موضوعی (Index)

الف

- آزادی (Libertas / Freedom): تعریف و تمایز آن از جبر نزد اسپینوزا، ۲۹، ۳۰، ۳۶؛ تعارض سوم کانت، ۳۱، ۳۷؛ آزادی در اگزیستانسیالیسم سارتر، ۲۶، ۳۶، ۸۶، ۸۷.
- آستین، جان (John Austin): افعال گفتاری و فلسفه زبان متداول، ۶، ۸۰، ۸۳.
- آکویناس، توماس (Thomas Aquinas): نظریه آنالوگیا (تماثل) و زبان دینی، ۳۹، ۶۴، ۶۵، ۶۶؛ نقد نظریه صدور و تقابل با نوافلاطونیان، ۶۴؛ مسئله کلیات، ۲۸.
- آلتوسر، لویی (Louis Althusser): ایدئولوژی و کردار انسانی، ۸۵.
- آمپیریسم (Empiricism - تجربه گرایی): تجربه گرایی بارکلی و نقد انتزاع، ۲۶-۲۸؛ تجربه گرایی افراطی میل در ریاضیات، ۵۵-۵۷؛ تقابل با رشنالیسم، ۶۱.
- آنالوگیا (تماثل) (Analogy /): حل معمای زبان دینی نزد توماس آکویناس، ۳۹، ۶۴-۶۶؛ اقسام آنالوگیا، ۶۵.
- آنتی نومی ها (تعارضات عقل محض): معماری دیالکتیک استعلایی کانت و تعارض جبر و اختیار، ۳۱، ۳۲، ۳۷.
- آنسکوم، الیزابت (G. E. M. Anscombe): فلسفه اخلاق مدرن و فضیلت گرایی، ۴۴.
- ابداع و صنع: تمایز مفهومی در فلسفه اسلامی، ۱۲۴، ۲۳۶.
- ابن سینا: ریاست فلسفه و مبادی علوم در الشفاء، ۱۱؛ کلیات خمس و عقل بالفعل، ۱۲، ۱۷؛ عینیت ذات و صفات، ۱۹؛ کلی طبیعی، ۲۸؛ علم باری تعالی، ۱۰۷، ۲۱۹.
- احکام (جدول احکام کانت): تناظر احکام با مقولات دوازده گانه فاهمه، ۵۳، ۵۴، ۶۷؛ حکم شرطی و مقوله علیت، ۵۳، ۶۷؛ حکم کلی و مقوله وحدت، ۵۳، ۶۷.
- احکام ثبوتیه بر معدومات: قاعده فرعیت و برهان اثبات وجود ذهنی، ۲۰، ۲۱، ۳۵.
- ارسطو: ابطال جزء لایتجزی و ترکیب جسم از ماده و صورت، ۱۴؛ کلی طبیعی انضمامی، ۲۸، ۲۹، ۳۶؛ سعادت (بودایمونیا) و حد وسط، ۳۴، ۵۲؛ هم سویی روش شناختی با پروتاگوراس در حکمت عملی، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ مقولات ده گانه، ۵۳؛ محرک نامتحرک، ۶۳.
- اسپینوزا، باروخ (Baruch Spinoza): جوهر یگانه (خدا / طبیعت)، ۳۲، ۳۶؛ صفات و حالات متناهی امتداد، ۳۲، ۳۳، ۳۶؛ تعریف جبر و آزادی، ۲۹، ۳۰، ۳۶؛ عشق عقلانی به خدا (Amor Dei intellectualis)، ۵۱-۵۳، ۶۷؛ نفی اراده آزاد دکارتی، ۳۰، ۵۲.
- اسکوتوس اریژنا، یوهانس (Erigena): کتاب تقسیمات طبیعت و مراتب چهارگانه آن، ۴۷-۴۹، ۶۶؛ الهیات سلبی و سنت دیونوسیوس، ۴۸، ۶۶.
- اشاعره: نظریه زیادت صفات بر ذات (لا عین و لا غیر)، ۱۹.
- اصل بافت (Context Principle): مبارزه با روان شناسی گرایی توسط فرگه، ۲۳، ۲۴، ۳۵.



- اصالت وجود: تقابل با اصالت ماهیت، ۱۳، ۲۰؛ منشأ آثار بودن وجود، ۱۳، ۱۲۴.
 - افلاطون: اتمیسم هندسی، ۱۴؛ نظریه مُثُل و کلی مفارق، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۶؛ رساله فایدون و آخرت شناسی، ۴۶، ۴۷، ۶۶؛ رساله کراتولوس و فلسفه زبان، ۵۰، ۵۱، ۶۶؛ رساله سوفسطایی و روش تقسیم، ۵۱؛ رساله جمهوری و عدالت، ۴۷، ۵۱.
 - اکهارت، مایستر (Meister Eckhart): عرفان نظری و مفهوم فقر روحانی (Armut)، ۴۱، ۴۲، ۶۶؛ وارستگی و تقابل فقر با عشق، ۴۱، ۴۲.
 - انقلاب کپرنیکی کانت: مطابقت اشیاء با ساختار پیشینی ذهن، ۶۱، ۶۲، ۶۷.
 - اهل تأله و بحث: طبقه بندی طالبان حکمت در فلسفه اشراق سهروردی، ۱۰۷، ۱۲۴.
 - ایده آلیسم استعلایی (Transcendental Idealism): کانت و تفکیک پدیدار (فنومن) از شیء فی نفسه (نومن)، ۳۱، ۶۱، ۶۷.
 - ایده آلیسم سوژکتیو (Subjective Idealism): جرج بارکلی و نفی جوهر مادی (Esse est percipi)، ۵۴، ۵۵، ۶۷.
- ب
- بارکلی، جرج (George Berkeley): نقد تصورات کلی انتزاعی لاک و نظریه بازنمایی، ۲۶-۲۸، ۳۶؛ ایدئالیسم و این همانی اشیاء با تصورات، ۵۴، ۵۵، ۶۷؛ وجود در ادراک شدن است، ۵۵.
 - بازی های زبانی (Language Games): ویتگنشتاین متأخر در پژوهش های فلسفی، ۲۴، ۳۵، ۴۳، ۶۷.
 - براندوم، رابرت (Robert Brandom): نوپراگماتیسم و استنتاج گرایی، ۴۵، ۴۶.
 - برهان بر وجود ذهنی: برهان حکم ایجابی بر معدومات و قاعده فرعیت، ۲۰، ۲۱، ۳۵.
 - برهان خلف و نقض: استنتاجات منطقی و مدل های نقض، ۱۰، ۱۶، ۱۰۴.
 - برهان صدیقین: شیوه اثبات واجب در مشاء و حکمت متعالیه، ۱۰۷، ۲۱۹.
 - بسیط الحقیقه: قاعده «بسیط الحقیقه کل الأشياء» در اثبات توحید و علم الهی، ۱۸، ۲۲، ۲۱۹.
 - بی خانمانی (Homelessness): نقد مارتین هایدگر بر تکنولوژی و مفهوم گشتل، ۸۹-۹۱.
- پ
- پاتنم، هیلاری (Hilary Putnam): اخلاق بدون هستی شناسی و دفاع از عینیت، ۴۵، ۴۶، ۶۸؛ درهم تنیدگی واقعیت و ارزش، ۴۶.
 - پارادوکس مجموعه ها: نظریه طبقات راسل برای حل تناقض خودارجاعی، ۷۶.
 - پدیدارشناسی ادراک: موریس مرلوپونتی و تمایز کلام ناطق از کلام منطوق، ۸۰، ۸۱، ۸۳.
 - پدیدارشناسی روح هگل: سیر دیالکتیکی آگاهی، خودآگاهی و عقل، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۶۷.



- پدیدارشناسی هوسرل: قصدیت، تقویم و اپوخه، ۸۵، ۸۸.
 - پراگماتیسم: پیوند با تجربه گرایی رادیکال و وحدت انگاری خنثی، ۷۸-۸۰؛ اخلاق بدون هستی شناسی، ۴۵، ۴۶.
 - پروتاگوراس: نسبی گرایی (انسان معیار همه چیز است)، ۳۳، ۳۷؛ هم سویی ارسطو با وی در حکمت عملی، ۳۳، ۳۴، ۳۷.
 - پوزیتیویسم منطقی (حلقه وین): اصل تحقیق پذیری، بی معنایی متافیزیک و نفی معرفت وصف ناپذیر، ۴۳، ۷۰، ۷۱.
- ت
- تبارشناسی (Genealogy): دوره سوم فکری میشل فوکو و پیوند دانش و قدرت، ۸۵، ۸۶؛ تبارشناسی اخلاق نیچه، ۴۴، ۸۵.
 - تخیل و وهم: نقش قوای باطنی در ادراک و نبوت، ۱۰۷، ۱۲۴.
 - تشکیک در وجود (Gradation of Being): رابطه واحد و کثیر و نفی تقابل، ۱۴، ۱۵، ۳۵؛ تشکیک خاصی صدرایی، ۱۵، ۸۹.
 - تصورات کلی انتزاعی: نقد بارکلی بر جان لاک و دفاع از نام گرایی، ۲۶-۲۸، ۳۶.
 - تضاد و تقابل: اقسام تقابل (تضاد، تناقض، تضایف، عدم و ملکه)، ۱۵، ۱۷۲؛ نفی تقابل میان واحد و کثیر، ۱۴، ۱۵، ۳۵.
 - تطبیق فاعل شناسا و شهود: آگاهی ادراکی محض کانت و سنتز کثرات، ۵۹-۶۱، ۶۷.
 - تعریف ناپذیری «خوب»: جورج ادوارد مور و مغالطه طبیعت گرایانه، ۷۷، ۷۸، ۸۲.
 - تکنولوژی (Technology): هایدگر، ذات تکنولوژی به مثابه گشتل و بی خانمانی بشر، ۸۹-۹۱.
- ج
- جبر و اختیار: نزاع در تعارض سوم کانت، ۳۱، ۳۲، ۳۷؛ تعریف اسپینوزا از جبر بر پایه علت بیرونی، ۲۹، ۳۰، ۳۶؛ مبادی افعال اختیاری در فلسفه اسلامی، ۸۶، ۸۷.
 - جسم (طبیعیات فلسفی): اقوال در حقیقت جسم؛ ابطال جزء لایتجزی نزد ارسطو، ۱۴؛ اجزاء لایتجزای نامتناهی نزد نظام معتزلی، ۱۳، ۱۴، ۳۵.
 - جنس و فصل: تحلیل ماهیت، ابهام جنس و تحصیل فصل در مقایسه با تمامیت نوع، ۱۲، ۱۳.
- ح
- حدوث و قدم: اقسام حدوث؛ حدوث زمانی، ذاتی و دهری (میرداماد)، ۲۳؛ حدوث بالحق (مسیوقیت به عدم در مرتبه علت)، ۲۲، ۲۳، ۳۵.
 - حرکت جوهری: اصالت وجود، اشتداد و ارتباط متغیر با ثابت، ۱۵، ۲۱۹.
 - حکما: نظریه عینیت ذات و صفات و بساطت واجب، ۱۸، ۱۹، ۳۵.
 - حکمت اشراق: سهروردی، نور مجرد، مقدار جوهری و اصالت ماهیت، ۱۴، ۱۲۴.



- حکمت عملی (Practical Philosophy): موضوعات متغیر و انعطاف پذیری روش شناختی نزد ارسطو، ۳۳، ۳۴، ۳۷.
 - حمل (شایع صناعی و اولی ذاتی): تفکیک اعتبارات ماهیت و حمل بر عدم، ۲۰، ۱۰۷.
- د
- دازاین (Dasein): ساختار وجودی انسان در جهان نزد مارتین هایدگر، ۴۴، ۸۹، ۹۰.
 - درهم تنیدگی واقعیت و ارزش: نقد شکاف امر واقع و ارزش توسط هیلاری پاتنم، ۴۵، ۴۶.
 - دکارت، رنه (René Descartes): شک دستوری، ۵۸، ۵۹؛ کشف کوگیتو و من اندیشنده به عنوان اولین تکیه گاه یقینی، ۵۸-۶۰، ۶۶؛ دور دکارتی و تلازم وضوح و تمایز با وجود خدا، ۵۷، ۵۸، ۶۷؛ ثنویت جوهری نفس و بدن، ۳۳، ۵۸.
 - دلوز، ژیل (Gilles Deleuze): فلسفه تفاوت و کثرت، نقد دیالکتیک هگل و نفی این همانی، ۸۷-۸۹.
 - دور دکارتی (Cartesian Circle): مغالطه استنتاجی میان ملاک وضوح و تمایز و ضمانت الهی، ۵۷، ۵۸، ۶۷.
 - دیرینه شناسی (Archaeology): دوره دوم فکری میشل فوکو و تحلیل شرایط امکان دانش (اپیستمه)، ۸۵، ۸۶.
- ر
- راسل، برتراند (Bertrand Russell): اتمیسم منطقی، ۷۰، ۷۴؛ منطق گرایي و تقلیل ریاضیات به منطق، ۷۲-۷۴، ۸۲؛ مخالفت با ویتگنشتاین بر سر سخن گفتن از کل جهان، ۷۵-۷۷، ۸۲؛ وحدت انگاری خنثی و تأثر از ویلیام جیمز، ۷۸-۸۰، ۸۲؛ نقد معرفت وصف ناپذیر، ۷۰، ۷۱.
 - رشنالیسم (Rationalism - عقل گرایی): عقل گرایی دکارت و اسپینوزا در تقابل با تجربه گرایی، ۳۰، ۵۸؛ عقل گرایی مادی رواقیون، ۶۲، ۶۳، ۶۶.
 - رواقی گری (Stoicism): تلفیق اصالت ماده با عقل گرایی کیهانی (لوگوس و پنوما)، ۶۲، ۶۳، ۶۶.
 - روش شناسی عقل محض: ساختار معماری نقد عقل محض کانت، ۳۲.
- ز
- زبان دینی: مسئله سخن گفتن از خدا و نظریه آنالوژیای توماس آکویناس، ۶۴-۶۶.
 - زبان متداول (Ordinary Language Philosophy): مکتب آکسفورد و تمرکز بر کلام منطوق در برابر کلام ناطق، ۸۰، ۸۱، ۸۳.
- س
- سارتر، ژان پل (Jean-Paul Sartre): هستی شناسی اگزیستانسیالیستی در هستی و نیستی، ۲۵، ۲۶، ۳۶؛ تقابل هستی فی نفسه با هستی لِنَفْسِه، ۲۵، ۲۶، ۳۶؛ پیوند اگزیستانسیالیسم با مارکسیسم در نقد عقل دیالکتیکی، ۸۶، ۸۷.
 - سعادت: سعادت نظری و حد وسط در اخلاق ارسطو، ۳۴، ۵۲؛ عشق عقلانی به خدا در اخلاق اسپینوزا، ۵۱-۵۳، ۶۷.
 - سهروردی (شیخ اشراق): مقدار جوهری در جسم، ۱۴؛ عالم انوار و عقول، ۱۲۴، ۲۱۹.

- سوفسطائیان: الگوی اسطوره زدایی از پیشاسقراطیان و چرخش به حیات مدنی، ۴۹، ۵۰، ۶۶؛ تقابل طبیعت (فیزیس) و قرارداد (نوموس)، ۴۹، ۵۰.

ش

- شباهت خانوادگی (Family Resemblance): نقد ذات گرایی توسط ویتگنشتاین متأخر، ۴۳، ۶۷.
- شخصیت ها (اعلام شاخص آزمون):

- ابن سینا: ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۱۰۷، ۲۱۹.
- ارسطو: ۱۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۵۲، ۶۳.
- اسپینوزا، باروخ: ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۵۱-۵۳، ۶۷.
- افلاطون: ۱۴، ۲۷، ۲۸، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۶۶.
- اکهارت، مایستر: ۴۱، ۴۲، ۶۶.
- بارکلی، جرج: ۲۶-۲۸، ۳۶، ۵۴، ۵۵، ۶۷.
- باتنم، هیلاری: ۴۵، ۴۶، ۶۸.
- دکارت، رنه: ۳۳، ۵۷-۶۰، ۶۶، ۶۷.
- دلوز، ژیل: ۸۷-۸۹.
- راسل، برتراند: ۷۰-۷۷، ۷۸-۸۰، ۸۲.
- سارتر، ژان پل: ۲۵، ۲۶، ۳۶، ۸۶، ۸۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین: ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۵، ۲۱۹.
- فرگه، گوتلوب: ۲۳، ۲۴، ۳۵، ۷۱، ۷۲، ۸۲.
- فوکو، میشل: ۸۵، ۸۶.
- کانت، ایمانوئل: ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۵۳، ۵۴، ۵۹-۶۲، ۶۷.
- لویناس، امانوئل: ۴۵، ۹۱.
- ملاصدرا (صدرالمതلهین): ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۸۹، ۱۲۴، ۲۱۹.
- مور، جورج ادوارد: ۷۷، ۷۸، ۸۲.
- میل، جان استوارت: ۵۵-۵۷، ۶۷.



- نظام معتزلی (ابراهیم بن سيار): ۱۳، ۱۴، ۳۵.
 - هایدگر، مارتین: ۴۳-۴۵، ۶۸، ۸۹-۹۱.
 - هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش: ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۶۷، ۸۸.
 - ویتگنشتاین، لودویگ: ۲۴، ۳۵، ۴۲، ۴۳، ۶۷، ۷۴-۷۷، ۸۲.
 - شک روشمند دکارتی: تخریب یقینیات حسی و ریاضی برای رسیدن به نقطه ارشمیدسی، ۵۸، ۵۹، ۶۶.
- ص
- صفات باری تعالی: نفی زیادت، توحید صفاتی و نظریه عینیت ذات و صفات نزد حکما، ۱۸، ۱۹، ۳۵؛ دیدگاه اشاعره و کرامیه، ۱۹.
- ع
- عرض ذاتی: ملاک محمول در مسائل علوم و منطق برهان (عروض بدون واسطه غریب)، ۱۶، ۱۷، ۳۵.
 - عشق عقلانی به خدا (Amor Dei intellectualis): نقطه اوج اخلاق و سعادت در نظام اسپینوزا، ۵۱-۵۳، ۶۷.
 - عقل (مراتب عقل نظری): عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل (تعقل نظریات بتوسط بدیهیات) و عقل مستفاد، ۱۷، ۱۸، ۳۵.
 - عقل در پدیدارشناسی هگل: مرحله سوم تکامل آگاهی و سنتز شکاف سوژه و ابژه، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۴۰، ۴۱.
 - علم اخلاق و فرااخلاق: تعریف ناپذیری خوب نزد مور، ۷۷، ۷۸؛ اخلاق بدون هستی‌شناسی پاتنم، ۴۵، ۴۶؛ تقدم اخلاق بر هستی‌شناسی نزد لویناس، ۴۵، ۹۱.
 - علم باری تعالی: علم به ذات و علم به ماسوا در مراتب پیش از کثرت، ۱۰۷، ۱۲۴، ۲۱۹.
- ف
- فایدون (رساله افلاطون): براهین چهارگانه تجرد و جاودانگی نفس و اسطوره آخرت‌شناسی، ۴۶، ۴۷، ۶۶.
 - فرگه، گوتلوب (Gottlob Frege): اصل بافت در مبانی حساب، ۲۳، ۲۴، ۳۵؛ تمایز معنا (Sinn) و مدلول (Bedeutung)، ۸۲؛ نظریه حشوگرایی صدق، ۷۱، ۷۲، ۸۲.
 - فقر روحانی (Armut): عالی‌ترین مرتبه در عرفان نظری مایستر اکهارت، ۴۱، ۴۲، ۶۶.
 - فلسفه اولی: تعریف فلسفه به علم اعلی و تأمین‌کننده مبادی علوم جزئی، ۱۱، ۳۵؛ اخلاق به مثابه فلسفه اولی نزد لویناس، ۴۵، ۹۱.
 - فوکو، میشل (Michel Foucault): توالی روش شناختی: ساختارگرایی، دیرینه‌شناسی و تبارشناسی، ۸۵، ۸۶.
 - فیدئیسیم و عقل‌گرایی قرون وسطی: نزاع ایمان و عقل از آگوستین تا آکویناس، ۴۸، ۶۴.
- ک
- کانت، ایمانوئل (Immanuel Kant): انقلاب کپرنیکی، ۶۱، ۶۲، ۶۷؛ استنتاج متافیزیکی و جدول مقولات، ۵۳، ۵۴، ۶۷؛ استنتاج استعلایی و وحدت ادراک نفسانی محض، ۵۹-۶۱، ۶۷؛ تعارضات عقل محض و تقابل جبر و اختیار، ۳۱، ۳۲، ۳۷؛ تمایز فنومن و نومن، ۶۱.

- کراتولوس (رساله افلاطون): نخستین اثر در فلسفه زبان، نزاع نظریه طبیعی و قراردادی نام گذاری، ۵۰، ۵۱، ۶۶.
- کلام ناطق و کلام منطوق: تقابل پدیدارشناسی ادراک مرلپونتی با فلسفه زبان متداول، ۸۰، ۸۱، ۸۳.
- کلیات (مسئله کلیات): کلی طبیعی انضمامی ارسطو، ۲۸، ۲۹، ۳۶؛ نقد تصورات انتزاعی توسط بارکلی و دفاع از نمایندگی، ۲۶-۲۸، ۳۶؛ کلی مفارق افلاطون، ۲۸، ۲۹؛ نزاع رئالیسم و نام گرایی، ۲۷، ۲۸.
- گ
- گشتل (Ge-stell): ذات تکنولوژی مدرن و چارچوب بندی جهان به مثابه منبع ذخیره نزد هایدگر، ۸۹-۹۱.
- ل
- لویناس، امانوئل (Emmanuel Levinas): تقدم اخلاق بر هستی شناسی و پدیدارشناسی چهره دیگری، ۴۵، ۹۱.
- م
- ماتریالیسم: تقابل اتمیسم اپیکوری با عقل گرایی؛ تلفیق ماده و عقل در مکتب رواقی، ۶۲، ۶۳، ۶۶.
- ماده و صورت (Hylomorphism): ترکیب جسم طبیعی و تبیین حرکت، ۱۴، ۲۸، ۱۲۴.
- مارکسیسم: پیوند با اگزیستانسیالیسم در اندیشه متأخر ژان پل سارتر، ۸۶، ۸۷.
- مبادی علوم: نقش فلسفه در اثبات موضوع و اصول موضوعه علوم جزئی، ۱۱، ۱۲، ۳۵.
- مرلپونتی، موریس (Maurice Merleau-Ponty): پدیدارشناسی ادراک، بدن مندی و کلام ناطق، ۸۰، ۸۱، ۸۳.
- مغالطه طبیعت گرایانه (Naturalistic Fallacy): خطای فروکاستن خوب به کیفیات طبیعی در فلسفه مور، ۷۷، ۷۸، ۸۲.
- مقولات فاهمه: دوازده مفهوم ناب ماتقدم در نقد عقل محض کانت، ۵۳، ۵۴، ۶۷.
- ملاصدرا (صدر المتألهین): اصالت و تشکیک وجود، ۱۳، ۱۵؛ بطلان جزء لایتجزی، ۱۳، ۱۴؛ عینیت صفات با ذات، ۱۹؛ نقد نظریه تضاد در واحد و کثیر، ۱۵، ۸۹.
- من اندیشنده (Cogito): نخستین تکیه گاه یقینی دکارت در تأملات، ۵۸-۶۰، ۶۶.
- منطق گرایی (Logicism): فروکاستن قضایای ریاضی به اصول منطقی توسط راسل و فرگه، ۷۲-۷۴، ۸۲.
- مور، جورج ادوارد (G. E. Moore): تعریف ناپذیری مفهوم خوب و کیفیت ناطبیعی، ۷۷، ۷۸، ۸۲.
- میل، جان استوارت (John Stuart Mill): تجربه گرایی رادیکال و تلقی گزاره های ریاضی به مثابه فرضیه های تجربی، ۵۵-۵۷، ۶۷.
- ن
- نام گرایی (Nominalism): بارکلی و نفی مفاهیم انتزاعی از طریق بازنمایی تصورات جزئی، ۲۶-۲۸، ۳۶.



- نسبی گرایی (Relativism): انسان معیار همه چیز است پروتاگوراس و هم سویی روش شناختی ارسطو در اخلاق، ۳۳، ۳۴، ۳۷.
 - نشان دادن در برابر گفتن (Showing vs. Saying): محدودیت زبان و صورت منطقی در تراکتاتوس ویتگنشتاین، ۷۴، ۷۵، ۸۲.
 - نظام معتزلی (ابراهیم بن سيار): قول به اجزاء لایتجزای نامتناهی و نظریه طفره در جسم، ۱۳، ۱۴، ۳۵.
 - نوع (الماهیة التامة): تمام الذات و منشأ آثار خاصه حقیقه در کلیات خمس، ۱۲، ۱۳، ۳۵.
- ۹
- واحد و کثیر: تبیین رابطه بر پایه مساوقت وحدت با وجود و تشکیک، ۱۴، ۱۵، ۳۵؛ بازگشت کثرت به تجلی وحدت، ۱۵، ۸۹.
 - وحدت انگاری خنثی (Neutral Monism): نظریه ویلیام جیمز و چرخش هستی شناختی برتراند راسل در باب ذهن و ماده، ۷۸-۸۰، ۸۲.
 - وجود ذهنی: اثبات نشئه ذهن از طریق احکام ایجابی بر معدومات خارجی، ۲۰، ۲۱، ۳۵.
 - وجود لغیره: ماهیت عرضی و دو کارکرد طرد عدم از ذات خود و طرد عدم زائد از موضوع، ۲۱، ۲۲، ۳۵.
 - ویتگنشتاین، لودویگ (Ludwig Wittgenstein):
 - دوره متقدم (تراکتاتوس): نظریه تصویری معنا، ۴۲، ۴۳، ۷۴، ۷۵، ۸۲؛ تمایز گفتن و نشان دادن، ۷۴، ۷۵، ۸۲؛ اتمیسم منطقی و امر واقع، ۴۳، ۷۴؛ جهان به مثابه یک کل، ۷۵-۷۷.
 - دوره متأخر (پژوهش های فلسفی): نظریه کاربردی معنا، بازی های زبانی، شباهت خانوادگی و اشکال زندگی، ۴۳، ۶۷.
- ۵
- هایدگر، مارتین (Martin Heidegger): هستی شناسی بنیادین و پرسش از هستی، ۴۴، ۸۹؛ تقدم هستی شناسی بر اخلاق، ۴۳-۴۵، ۶۸؛ نقد تکنولوژی مدرن و بی خانمانی انسان (گشتل)، ۸۹-۹۱.
 - هرمنوتیک (Hermeneutics): خاستگاه دینی و الهیاتی (تفسیر کتاب مقدس)، ۲۴، ۲۵، ۳۵؛ سیر تطور از هرمنوتیک خاص به عام (شلایرماخر و دیلتای) و فلسفی (هایدگر و گادامر)، ۲۵، ۳۶.
 - هستی فی نفسه و لنفسه (En-soi / Pour-soi): دوگانه بنیادی سارتر در کتاب هستی و نیستی، ۲۵، ۲۶، ۳۶.
 - هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش (G. W. F. Hegel): پدیدارشناسی روح و سیر تاریخی آگاهی، خودآگاهی و عقل، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۶۷؛ نقد دلوز بر دیالکتیک تضاد و هویت هگلی، ۸۷-۸۹.

فهرست منابع

- ابن رشد، م. ب. ا. (۱۹۸۶). *فصل المقال فيما بين الحكمة و الشريعة من الاتصال*. دارالمعارف.
- ابن سینا، ح. ب. ع. (۱۳۷۵). *الإشارات والتنبيهات مع شرح نصيرالدين الطوسي* (۴ جلدی). نشر البلاغة.
- ابن سینا، ح. ب. ع. (۱۴۰۴ق). *الشفاء (المنطق، الطبيعيات، الإلهيات)* (به اهتمام ا. ف. مدکور). مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
- اسپینوزا، ب. (۱۳۶۴). *اخلاق* (م. جهانگیری، مترجم). مرکز نشر دانشگاهی.
- افلاطون. (۱۳۸۰). *دوره کامل آثار افلاطون* (۴ جلدی؛ م. ح. لطفی و ر. کاویانی، مترجمان). انتشارات خوارزمی.
- افلوطین. (۱۳۶۶). *تاسوعات* (ح. ملکشاهی، مترجم). انتشارات سروش.
- آکوئیناس، ت. (۲۰۱۰). *جامع الهیات: گزیده مباحث* (گروه مترجمان، مترجم). انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب (اثر اصلی منتشر شده در ۱۲۷۴).
- آگوستین، آ. (۱۳۸۰). *اعترافات* (س. میثمی، مترجم). دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اریوگنا، ی. ا. (۱۹۸۷). *درباره تقسیم طبیعت (De Divisione Naturae)*. انتشارات دمبارتن اوکس (اثر اصلی متعلق به قرن نهم میلادی).
- ارسطو. (۱۳۵۶). *اخلاق نیکوماخوس* (س. ا. پورحسینی، مترجم). انتشارات دانشگاه تهران.
- ارسطو. (۱۳۶۹). *درباره نفس (De Anima)* (ع. داودی، مترجم و محشی). انتشارات حکمت.
- ارسطو. (۱۳۷۸). *سماع طبیعی (فیزیک)* (م. ح. لطفی، مترجم). انتشارات طرح نو.
- ارسطو. (۱۳۸۵). *منطق ارسطو (ارغنون)* (م. ا. سلطانی، مترجم). انتشارات نگاه.
- ارسطو. (۱۹۹۵). *متافیزیک (مابعدالطبیعه)* (ش. خراسانی، مترجم). انتشارات حکمت.
- بارکلی، ج. (۱۳۹۶). *رساله‌ای در باب اصول علم انسان* (م. بزرگمهر، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی.
- بوئتیوس، آ. (۱۳۸۵). *تسلای فلسفه و ترجمه و شرح ایساغوجی* (س. میثمی، مترجم). انتشارات نگاه معاصر.
- پوپر، ک. ر. (۱۳۶۸). *حدس‌ها و ابطال‌ها* (ا. آرام، مترجم). شرکت سهامی انتشار.
- پوپر، ک. ر. (۱۳۸۰). *جامعه باز و دشمنان آن* (ع. فولادوند، مترجم). انتشارات خوارزمی.
- تر تولیانوس، ک. (۲۰۰۰). *درباره تجویز بدعت‌گذاران (De Praescriptione Haereticorum)*. در ترجمه گزیده متون کلام مسیحی. انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب (اثر اصلی متعلق به قرن سوم میلادی).
- دریدا، ژ. (۱۳۹۵). *مواضع: بررسی مفهوم دیفرانس و واسازی* (پ. یزدانجو، مترجم). نشر مرکز.
- دکارت، ر. (۱۳۸۱). *تأملات در فلسفه اولی* (ا. احمدی، مترجم). سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دلوز، ژ. (۱۳۹۴). *تفاوت و تکرار* (ع. مشایخی، مترجم). نشر چشمه.
- رازی، ف. م. ب. ع. (۱۳۶۴). *المباحث المشرقیة فی علم الإلهیات و الطبيعیات* (۲ جلدی). انتشارات بیدار.
- رورتی، ر. (۱۳۹۴). *فلسفه و آینه طبیعت* (م. نوری، مترجم). نشر مرکز.
- ریکور، پ. (۱۳۹۶). *استعاره زنده* (ف. مجیدی، مترجم). نشر هرمس.
- سبزواری، م. (۱۳۶۹). *شرح المنظومة (قسم المنطق والحكمة)* (ح. حسن‌زاده آملی، مصحح و معلق). نشر ناب.
- سه‌رودی، ش. ی. (۱۳۸۰). *مجموعه مصنفات شیخ اشراف (حکمة الإشراف، التلویحات، المشارع و المطارحات)* (هد کرین و س. ح. نصر، مصححان). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سارتر، ژ. پ. (۱۳۸۶). *تعالی‌گو* (ع. مشایخی، مترجم). نشر ناهید.

- سارتر، ژ. پ. (۱۳۹۴). هستی و نیستی (م. بحرینی، مترجم). انتشارات نیلوفر.
- شوپنهاور، آ. (۱۳۹۲). جهان همچون اراده و تصور (ر. ولی‌باری، مترجم). نشر مرکز.
- شوپنهاور، آ. (۱۳۹۹). در باب بنیاد اخلاق (ص. رستگار، مترجم). نشر نگاه معاصر.
- شیرازی، ص. م. (ملاصدرا). (۱۹۸۱). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة (۹ جلدی). دار إحياء التراث العربی.
- طباطبایی، س. م. ح. (۱۴۲۲ق). بداية الحکمة. مؤسسة النشر الإسلامی.
- طباطبایی، س. م. ح. (۱۴۲۸ق). نهاية الحکمة (ع. زارعی سبزواری، مصحح و معلق). مؤسسة النشر الإسلامی.
- طوسی، ن. م. ب. م. (۱۳۷۵). شرح الإشارات والتنبيهات (نمط اول تا دهم). مطبعة الحیدری.
- غزالی، ا. م. (۱۴۱۴ق). تهافت الفلاسفة (س. دنیا، به کوشش). دارالمعارف.
- فارابی، ا. م. ب. م. (۱۹۶۰). الجمع بین رأیی الحکیمین (ا. ن. نادر، مصحح). دارالمشرق.
- فرگه، گ. (۱۳۹۳). مبانی حساب (ط. جابری، مترجم). انتشارات ققنوس.
- فوکو، م. (۱۳۹۲). دیرینه‌شناسی دانش (ع. سواری، مترجم). نشر گام نو.
- کانت، ا. (۱۳۶۲). نقد عقل محض (م. ش. ادیب‌سلطانی، مترجم). انتشارات امیرکبیر.
- کانت، ا. (۱۳۸۱). نقد قوه حکم: سنجش نیروی داور (ع. رشیدیان، مترجم). نشر نی.
- کانت، ا. (۱۳۸۵). نقد عقل عملی (ا. رحمتی، مترجم). نشر نورالثقلین.
- کواپن، و. و. ا. (۱۹۵۱). دو جزم تجربه‌گرایی. فلسفیکال ریویو، ۶۰(۱)، ۳۰-۴۳.
- کی‌boundary کگور، س. (۱۳۸۸). ترس و لرز (ع. رشیدیان، مترجم). نشر نی.
- گادامر، ه. گ. (۱۳۹۴). حقیقت و روش (ح. اسدی تبریزی، مترجم). نشر پرسش.
- لایبنیتس، گ. و. (۱۳۷۵). منادولوژی (Monadology) (ع. رشیدیان، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی.
- مالبرانش، ن. (۱۹۹۷). در جستجوی حقیقت (De la recherche de la vérité). انتشارات دانشگاه کمبریج (اثر اصلی منتشر شده در ۱۶۷۴).
- مرلوپونتی، م. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی ادراک (ر. فرهادیان، مترجم). نشر نی.
- مور، ج. ا. (۱۳۹۶). مبانی اخلاق (Principia Ethica) (غ. توکلی و ع. عسگری یزدی، مترجمان). انتشارات سمت.
- هابز، ت. (۱۳۸۰). لویاتان (ح. بشیریه، مترجم). نشر نی.
- هایدگر، م. (۱۳۸۹). هستی و زمان (ع. رشیدیان، مترجم). نشر نی.
- هگل، گ. و. ف. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی روح (ب. پرهام، مترجم). انتشارات کندوکاو.
- هگل، گ. و. ف. (۱۳۹۸). درس‌گفتارهای زیبایی‌شناسی (س. هومن، مترجم). نشر امیرکبیر.
- هوسرل، ا. (۱۳۸۴). تأملات دکارتی: مقدمه‌ای بر پدیدارشناسی (ع. رشیدیان، مترجم). نشر نی.
- هیوم، د. (۱۳۷۷). کاوش در مبانی اخلاق (م. مردیها، مترجم). انتشارات مینوی خرد.
- هیوم، د. (۱۳۹۱). رساله درباره طبیعت آدمی (ج. پیکانی، مترجم). نشر ققنوس.
- ویتگنشتاین، ل. (۱۳۸۰). پژوهش‌های فلسفی (ف. مجلسی، مترجم). شرکت سهامی انتشار.
- ویتگنشتاین، ل. (۱۳۸۶). رساله منطقی-فلسفی (ترکتاتوس) (م. ش. ادیب‌سلطانی، مترجم). انتشارات امیرکبیر.